

# تجاوز نظامی ایالات متحده به حق حاکمیت مردم ایران

● تسلیم طلبی سران ج.ا.د و دوا بر امیرالبنام آمریکا بخشی از استراتژی جنگ توسعه طلبانه است  
با آغاز عملیات جنگی نظامیان آمریکایی در مرزهای آبی میهن ما، ماجراجویی تجاوزکارانه امپریالیسم آمریکا در خلیج فارس ابعاد تازه‌ای به خود گرفته است  
به دنبال تهدیدات رئیس‌جمهور و وزیر خارجه ایالات متحده مبنی بر حراست از تنگه هرمز به اتکای نیروی نظامی، ایالات متحده رسماً بخش بزرگی از آبهای خلیج فارس را تحت حاکمیت خود درآورد و مرزهای آبی میهن ما را در کنترل خود گرفت  
بنا به اظهار محافل سیاسی - نظامی آمریکایی، هواپیماهای ایرانی تنها در صورت تماس و کسب اجازه از رزمناوهای آمریکایی حق پرواز بر فراز این منطقه را خواهند داشت و کشتی‌های ایران در صورت نزدیک شدن به منطقه تحت فرماندهی نیروهای آمریکایی هدف آتش آنان قرار خواهند گرفت  
دو هفته پیش گام نخست در راه عملی کردن این تهدید برداشته شد. یک رزمناو آمریکایی به سوی یک هواپیمای نظامی ایران که از بقیه در صفحه ۱۵

# راه توده

شهره‌ها در حیدرآباد در خلیج فارس از کتور

دوشنبه ۱۲ اسفند ۱۳۶۲ مطابق  
۱۲ مارس ۱۹۸۴  
سال دوم شماره ۸۳  
پهنا: ۴۰۰ میل

## ده گل سرخی که به انقلاب ایران هدیه شد!

**مردم شریف ایران! بشردوستان مترقی جهان!**  
رژیم ج.ا.د که داغ خیانت به انقلاب مردمی و شکوه‌مند ایران را بر پیشانی دارد، در سپیده دم خونین ۶ اسفند عده‌ای از افسران میهن - دوست و دیگر توده‌های وفادار به آرمان‌های

انقلاب را به جوخه‌های اعدام سپرده و خوششان را بر زمین ریخت  
این مدافعان حقوق مردمی، پس از تحمل ماه‌ها شکنجه جسمی و روانی در بیدارگاه‌های در بسته حاکمیت راستگرای ایران به اعدام محکوم شدند  
جرم آنان، دفاع از آرمانهای انقلاب بود  
بقیه در صفحه ۱۳

## فاجعه ملی جنگ توسعه طلبانه بار دیگر چهره می‌نماید

**اوجگیری جنبش صلح طلبان از حمتکشان و تلاش ارتجاع برای بهره‌برداری از آن**  
اخبار تکان‌دهنده‌ای که از میهن مصیبت زده ما می‌رسد حاکی از آنست که شکست قابل پیش‌بینی ماجراجویی‌های اخیر سران ج.ا.د در عملیات "خیبر" و "والفجر - ۶" تلفات و خسارات بی‌سابقه‌ای را بر تلفات و خسارات انسانی و اقتصادی پیشین جنگ توسعه طلبانه افزوده است  
پیش از این بزرگترین حمله ایران به خاک عراق از آغاز مرحله توسعه طلبانه جنگ، عملیات موسم به "رمضان" در تابستان ۳۶۱ احسوب می‌شد که طی آن نیروهای ج.ا.د در جبهه جنوبی به خاک عراق هجوم آوردند  
حاصل شکست عملیات "رمضان"، بنا بر اطلاعات موشک ۶۰ هزار کشته و مجروح تنها از میان زحمتکشان ایران بود  
عملیات اخیر از نظر حجم و وسعت از عملیات رمضان بسیار گسترده بوده است، و اخبار مختلف حاکی از آنست که میزان تلفات ایران نیز از رقم فوق بسیار بیشتر است

## دبیرکل سازمان ملل متحد به اعداها و شکنجه اعضای حزب توده ایران اعتراض کرد

صفحه ۲

ضمیمه راه‌نوده (زیر عنوان)

**در صفحات بعد**

هشتم مارس، روز همبستگی زنان جهان  
اعتراض کارگران علیه پیش نویس یک‌شده قانون کار اوج می‌گیرد!

## جنايات رژیم ج.ا. علیه توده‌ای‌های دربند را افشا کنیم!

هجوم بی‌بند و بارانه و سبانه حاکمیت ج.ا.د به حزب توده ایران که با اعدام مقصد جوانه ۱۰ تن از افسران و دیگر اعضای حزب توده ایران، به اوج جنایت آمیز خود رسید، اینک به میدان عمل گسترده تری پا گذاشته است  
پهنه‌ای بی‌مرز و ضابطه که تنها هويت خود را در قانون نشناسی، ضدیت با اصول اخلاقی و انسانی و بیگانگی با موازین حقوقی و بین‌المللی کسب می‌کند  
در این پهنه تنها شقاوت وحس بقیه در صفحه ۱۴

ابعاد دشتناک کشتار مردم در نتیجه جنگ افزوی توسعه طلبانه حاکمیت ج.ا.د که به ویژه با بمباران دامنه دار ساکنان غیر نظامی شهرها در هر دو کشور و استفاده از سلاح‌های شیمیایی امپریالیستی از سوی عراق، از نظر انسانی نیز فاجعه آمیز تر از پیش است، باز تاب اجتماعی گسترده‌ای در میان زحمتکشان میهن ما داشته است، و دور نیست که به نقطه عطفی در روند اوجگیری جنبش صلح طلبانه مردم ما تبدیل شود  
بقیه در صفحه ۲

# پایدار باد همبستگی گسترده با زندانیان توده‌ای!

# فاجعه ملی جنگ توسعه طلبانه با دیگر چهره می نماید

## اوج گیری جنبش صلح طلبانه زحمتکشان و تلاش ارتجاع برای بهره برداری از آن

بقیه از صفحه ۱

در روزهای اخیر سیل گریز زحمتکشان بسیجی که خاطرات کشتار برادران خویش را در جبهه ها را به مثابه سند زنده بیهودگی فاجعه آمیز کشور گشایی سران ج ۱۰ و فریب کاری آنان به روستاها و شهرهای کوچک و بزرگ ایران باز می آورد، دامنه بی سابقه ای یافته است. تسبیح جنازه های گروهی پایان ناپذیر کشته شدگان جنگ در سرتاسر میهن پهناور ما، بیش از پیش به مجامع تودهای افشای فجایع جنگ فرسایشی تبدیل می شوند. امروز دیگر مخالفت علنی با ادامه بیهوده جنگ در شهر و روستا، در کارخانه و محله و ادارات و در صف های طولی مردم برای تهیه مایحتاج کم یاب زندگی روزانه، امری عادی بدل گشته است. جنگ افروزی کشور گشایانه حاکمیت با مخالفت دم افروز زحمتکشان مواجه می شود و پایگاه اجتماعی شوونیسم حاکم محدودتر و محدودتر می شود.

### جنگ طلبان همچنان بر ادامه

### جنگ توسعه طلبانه پای می فشردند

سران ج ۱۰ سرانیمه دز تلاش آنند که با پس گرفتن بخش اعظم تبلیغات جنجالی خویش در باره وارد آوردن "آخرین ضربه بر پیکر رژیم

عراق" شکست فاجعه بار اخیر را، پیروزی عظیمی که ظاهرا بازمی بایست "مرحله ای دیگر" برای تدارک ضربه نهائی ارزیابی شود، جلوه دهند.

یک بار دیگر اعتبار مذهبی بالاترین مقام حاکمیت ایران به میدان می آید تا زحمتکشان گریزان از میدان جنگ را به پایداری فراخواند، و جنجال تبلیغاتی درباره استفاده عراق از سلاح های شیمیایی، به خدمت توجیه شکست نظامی که "عقب نشینی تاکتیکی" نام می گیرد در می آید.

اگر چه ناامیدی از پیروزی در جنگ کشور گشایانه از لحن و سیاق سخنان سران ج ۱۰ پیدا است، اما تنها نشانه عقب نشینی آنان از مواضع جنگ طلبانه آنست که از اصرار بر لزوم استقرار "حکومت اسلامی" در عراق دست برداشته اند، و تنها خواستار "تعویض صدام" آن هم با جلب رضایت سران ج ۱۰ شده اند. آقای هاشمی رفسنجانی می گوید:

"اگر دیگران بخواهند مهرهای به جای صدام بگذارند... بر همان حرف قبلی تأکید می کنیم که خود ملت باید انتخاب کنند... مگر این که رضایت ما را قبلا جلب کنند" (اطلاعات ۱۸ اسفند ۶۲)

این گونه اصرار واقع ستیزانه و لجوجانه بر

ادامه تحمیل فاجعه ملی جنگ توسعه طلبانه به مردم ایران، با زتاب بین بست سیاسی حاکمیت بریده از خلق است که به ناگزیر، نجات خویش از ورشکستگی نهایی را در پناه بردن به پیروزی غیرممکن در کشور گشایی توسعه طلبانه جستجو می کند.

### تلاش ارتجاع برای بهره برداری از ناراضی توده ها از ادامه جنگ فرسایشی

بخشی از سخنان اخیر سران ج ۱۰ خطاب به شخصیت های ذی نفوذی در حاکمیت ج ۱۰ ایراد می شود که گویا از "کشته شدن جوانان" در جبهه ها لب به شکایت گشوده اند و خواستار پایان بخشیدن به جنگ شده اند. واقعیت این است که این گونه شکایت ها در حاکمیت ج ۱۰ معمولا از ناحیه ارتجاعی ترین جناح ابراز می شود.

بخشی از نمایندگان سیاسی بورژوازی تجاری و بزرگ مالکان ایران که جنگ فرسایشی بیش از همه به سود آنان تمام شده است، از مدتی پیش تاملاتی در راستای جد کردن حساب خویش از حساب سیاسی شوونیست های حاکم بر سرنوشت خلق در این زمینه از خود نشان دادند. این واقعیت که در نخستین نظر متناقض به نظر می آید، از یک سو بازتاب تشدید ناراضی مردم از ادامه جنگ و گسترش جنبش صلح طلبانه در میان زحمتکشان و از سوی دیگر بیانگر تعمیق بحران سیاسی حاکمیت است.

این نیروها با این شیوه برای خود "آبرو" و "حیثیت" تدارک می بینند تا بتوانند در آینده "حق" جانشینی خود را برای مقامات بالای ج ۱۰ اعلام و طلب کنند. هدف اساسی آنان سوء استفاده از موج فزاینده نفرت مردم از جنگ - برای کسب سهم بیشتری در حاکمیت و تحکیم پایه های نظام سرمایه داری و زمین داری بزرگ وابسته است.

این شرایط یک بار دیگر یادآور ضرورت و اهمیت تشدید تدارکات سیاسی و سازمانی نیروهای انقلابی پیگیر برای هدایت سیاسی و سازماندهی جنبش صلح طلبانه زحمتکشان است. هر گونه تزلزل و کم توجهی به ضرورت اتحاد همه نیروهای انقلابی و ترقی خواه که پیشاپیش زحمتکشان ایران خواستار صلح عادلانه برای نجات و تداوم انقلاب هستند، امکانات ارتجاع را برای بهره برداری ضد انقلابی از ناراضی توده ها از ادامه جنگ افزایش خواهد داد. تشکیل جبهه متحد خلق یگانه ضامن واقعی تأمین صلح عادلانه همراه با نجات انقلاب از خطر شکست نهایی است.

# دبیرکل سازمان ملل متحد به اعداها و شکنجه اعضای حزب توده ایران اعتراض کرد

تشریح جزئیات شکنجه از سوی مقامات ایران در مورد زندانیان سیاسی، اعضای حزب توده ایران و کرد های مخالف رژیم پرداخته و اعلام داشته است نقض حقوق بشر در ایران، همچنان ادامه دارد.

دبیرکل سازمان ملل متحد، در این بیانیه بر لزوم همکاری مقامات ایرانی با هیأت نمایندگی این سازمان تأکید کرد و از دولت ج ۱۰ خواست قوانین بین المللی را محترم شمارد.

دبیرکل سازمان ملل به اعداها اعضای اعضای حزب توده ایران و زندانیان سیاسی که طبق بیانیه های رسمی مقامات ایران در ۵ سال اخیر، بالغ بر ۵۰۰۰ تن شده است شدیدا اعتراض کرد و قطع فوری این اعمال بی رویه را خواستار شد.

پرز د وکولیا، دبیرکل سازمان ملل متحد، طی اعلامیه ای که به ۴۸ عضو کمیته حقوق بشر این سازمان تسلیم شد، اعلام کرد که شکنجه زندانیان سیاسی و اعضای حزب توده ایران و نقض آزادی های مذهبی در ایران را به شدت محکوم کرد.

پرز د وکولیا در این بیانیه، ج ۱۰ را به نقض آشکار حقوق بشر در ایران متهم کرد و از حاکمان ج ۱۰ خواست به نمایندگان این سازمان اجازه دهند برای بررسی این موضوع به آن کشور سفر کنند.

وی خاطر نشان ساخت اوضاع ایران در چهار سال اخیر، از نظر نقض حقوق بشر، به هیچ روی بهبود نیافته و دولت تهران سرسختانه از پذیرفتن نمایندگان این سازمان سر باز می زند. دبیرکل سازمان ملل در اعلامیه خود به

# به این جنگ خانمان سوز پایان دهید!

# خشم و نفرت مردم مترقی جهان از اعدام افسران و دیگر اعضاء حزب توده ایران

وحشتناک و خونین رژیم ایران را محکوم می‌کنیم. رژیمی که این گونه به اهداف و آمال مردمی و نیروهای مترقی ایران که ۵ سال پیش شاه را سرنگون کردند، خیانت می‌کند. ما از رژیم تهران لغو محکومیت های اعدام و آزادی تمام د مکرتهای د ریندر می طلبیم .

هیأت های نمایندگی و تظاهر کنندگان حاضر همبستگی خود را با همه د مکرتهای ایرانی که برای احترام به حقوق بشر در ایران مبارزه می کنند، اعلام می دارند .

● جنبش اعتراضی علیه اعدام ها و شکنجه های خود سرانه حکام جابر ج ۱۰۰ برای نجات جان د مکرتهای د ر بند ایرانی و آزادی تمام زندانیان سیاسی آزادی خواه و پیشرو گسترش می یابد :

بییر ژان توس، دبیر کشوری کنفدراسیون عمومی کار فرانسه ( ش. و. ت. ) جنایت رذیلانه اعدام ۱۰۰ تن از اعضاء حزب توده ایران را محکوم و به این عمل وحشیانه شدیداً اعتراض کرده است . کنفدراسیون عمومی کار ( ش. و. ت. ) اعضاء خود را فراخواند تا خاتمه محاکمات شوم ، قطع شکنجه ها و آزادی هزاران زندانی سیاسی در ایران را طلب کنند!

● سازمان امداد مردمی فرانسه به نام ششمصد هزار عضو خود خطاب به سفارت ایران در پاریس خواستار قطع اعدام ها ، احترام به حقوق بشر و به ویژه احترام به حقوق زندانیان سیاسی شده است .

این سازمان خاطر نشان می سازد که تاکنون صد ها فد راسیون و کمیته این سازمان از سراسر فرانسه ، پیام های اعتراض به سفارت ایران ارسال داشته اند .

● قطعنامه کمیته خانواده های زندانیان سیاسی که به سفارت ایران ارسال شده است :  
به سفارت ج ۱۰۰ ، پاریس  
به مقامات دولتی و قضائی ج ۱۰۰ .

اجرای احکام فرمایشی صادره از پیش که منجر به اعدام ۱۰۰ تن از انقلابیون میهن دوست ایرانی گردیده است ، تنگ دیگری است پسر دمان خائنین به انقلاب شکوهمند بهمن ۰۵۷ .

هم اکنون ده ها هزار تن از فرزندان صدیق انقلاب تنها به جرم دگراندیشی و دفاع از آرمان های انقلاب در سیاهچالهای ج ۱۰۰ به دست

بقیه در صفحه ۶

در برابر سفارت ایران ، مراتب انزجار و تأثر عمیق مردم فرانسه نسبت به اعدام ۱۰۰ تن از اعضاء حزب توده ایران و سرکوب وحشیانه د مکرتهای ایرانی را به اطلاع حکومت تهران می رساند .

هزاران توده های فدائی ، مجاهد به اعدام و یا حبس های بسیار سنگین محکوم شده اند . این محکومیت ها پس از نمایشات نفرت انگیز تحسنت عنوان محارمه و به دنبال شکنجه های روحی و جسمی از سوی مقامات ایرانی صادر می شود . این شیوه ها ، همانند شیوه های متداول در دوران سلسله پهلوی است .

جنایاتی از این قبیل نمی تواند خشم و انزجار همه کسانی را که بر حقوق بشر و د ر رأس آن به حق زندگی برای انسانها پای بند نسند ، پسر نیانگیزد . هم اکنون هزاران کمونیست ، د مکرتهای میهن دوست ایرانی در بندند و تحت وحشیانه ترین شکنجه ها قرار دارند .

ما به شدید ترین وجهی سنگسری های

خبر اعدام ظالمانه افسران و دیگر اعضاء حزب توده ایران ، احزاب ، جمعیت ها و محافل مترقی و د مکرتهای جهان را ، بیش از پیش خشمگین و نفرت زده ساخته است . این اعدام های خود سرانه که تنها امپریالیسم و ایادی د اخلی آن را بر سر شوق آورده ، تأثر خشم و اعتراض بیسش از پیش مردم مترقی جهان را برانگیخته است .

آنان همچنان سفره به ایران ، بررسی و وضمنسج زندانیان ، حضور در دادگاه ها ، متوقف ساختن محاکمات فرمایشی توده های ، پذیرفتن و شرکت دادن نمایندگان خود ، وکلای معتبر بین المللی و خبرنگاران خارجی در کلیه دادگاه های توده های را خواستارند . به بخشی از این اعتراضات توجه کنید :

## فرانسه

روز چهارشنبه ۲۹ فوریه ۱۹۸۴ هزاران تن از آزادی خواهان فرانسه و ایرانی ، هیأت های از سازمانهای گوناگون د مکرتهای از جمله حزب کمونیست فرانسه ، در برابر سفارت ج ۱۰۰ در پاریس گرد آمدند و با اعتراض علیه اعدام ۱۰۰ تن از افسران توده های و اعضاء حزب توده ایران ، خواهان آزادی تمام زندانیان سیاسی شدند که به خاطر مبارزه در راه آرمانهای انقلاب ایران ، توسط حکام ارتجاعی ج ۱۰۰ به بند کشیده شده اند . این گرد هم آیی پر شکوه اعتراضی بنا به فراخوان های حزب کمونیست فرانسه ، د فتر کشوری جنبش جوانان کمونیست و هم چنین کمیته همبستگی علیه اختناق در ایران ، تشکیل گردید .

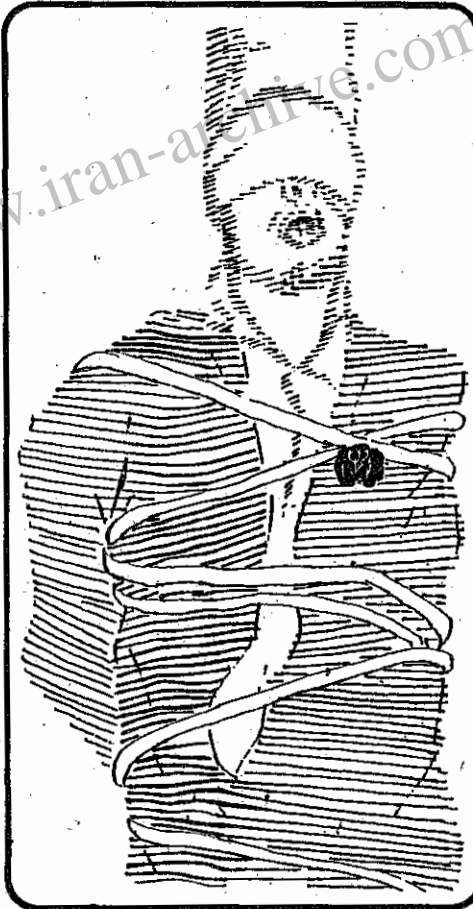
در این گرد هم آیی هیأتی به نمایندگی از سوی رهبری حزب کمونیست فرانسه ، مرکب از ماکسیم گرمس ، عضو هیأت سیاسی حزب ، گروهی از اعضاء کمیته مرکزی و همچنین تعدادی از سناتور ها و نمایندگان کمونیست مجلس فرانسه شرکت داشتند . ماکسیم گرمس متن قطعنامه این تظاهرات را قرائت نمود که پس از تصویب تظاهر کنندگان به سفارت ایران تسلیم شد .

ماکسیم گرمس ، عضو هیأت سیاسی حزب کمونیست فرانسه ، از تمام شرکت کنندگان خواست تا فعالیت های خود را در زمینه همبستگی با د مکرتهای ایرانی گسترش دهند .

## متن قطعنامه تظاهرات

### چهارشنبه ۲۹ فوریه در پاریس

هیأت های نمایندگی و تظاهر کنندگان حاضر



**با گسترش موج همبستگی بین المللی جان زندانیان سیاسی مترقی و ضد امپریالیست ایران را نجات دهیم**

## نامه‌ای از زندان اوین

# حقایق از شکنجه در زندان اوین که "تعزیر" نامیده می‌شود

هرگونه شکنجه برای گرفتن اقرار و یا کسب اطلاع ممنوع است. اجبار شخص به شهادت، اقرار یا سوگند مجاز نیست و چنین شهادت و اقرار و سوگندی فاقد ارزش و اعتبار است. متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می‌شود. اصل سی و هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

بعد از شکنجه و "تعزیر" زندانی را به شماره ۲۶۵ یا "آموزشگاه" (اتاق‌های ۳۰ تا ۴۰ نفره) می‌برند تا در انتظار محاکمه و تعیین تکلیف آنجا بمانند.

در اتاق‌های ۳۰ تا ۴۰ نفره زندانیان می‌توانند یکدیگر را ببینند. در این جا نگهبان بی‌نقاب ظاهر می‌شود ولی زندانیان، افراد بقیچه‌ای اتاق‌ها را نمی‌بینند. با هم اتاقی‌ها به هبوا خوری و حمام می‌روند اما در راهرو چشم بنسند دارند. زندانی تا از زندان خارج نشده نباید چشم بند را از خود دور کند.

در مرحله بردن زندانی به اتاق عمومی جویا می‌شوند که نماز می‌خواند یا نه؟ اگر نماز خوان باشد احتمال دارد او را به آموزشگاه یا نزد توابعین بفرستند. در صورتی که نماز نخواند دست به شانتاز علیه او می‌زنند. اگر با جبران‌ها حرف بزند متهم به همجنس بازی می‌شود. اگر با مسن‌ها و سالنندان صحبت کند او را متهم به کار سیاسی می‌کنند. یافتن بهانه برای "تعزیر" مجدد و برایشان کار آسانی است.

اتاق‌های عمومی روزانه حدود ۲ ساعت هبوا خوری دارند. البته از زندانیان این اتاق‌ها هم برای "تعزیر" می‌برند. اول به بهانه‌ای تعویض اتاق به انفرادی‌های ۲۶۵ یا ۳۲۵ یا آموزشگاه و سپس به ۲۰۹. وزیر زمین منتقل می‌کنند. پس از "تعزیر" بازی می‌گذارند در انفرادی و پس از بهبود نسبی به عمومی برمی‌گردانند.

در مراحل مختلف بازجویی از زندانی می‌پرسند آیا حاضر به مصاحبه هستی یا نه؟ کسانی که حاضر به مصاحبه نباشند دچار سخت‌گیری‌های طاقت فرسا می‌شوند. در انفرادی می‌مانند غذای مرتب ندارند، برخورد با آنان توأم با اهانت و تحقیر است، شکنجه می‌شوند و الوی آخر.

علت این طرز رفتار هم خرد کردن روحیه خود زندانی است و هم می‌ترسند اگر او را به عمومی ببرند روحیه دیگران را تقویت کند.

در تمام اتاق‌های عمومی و راهروها و سالن‌ها تلویزیون مدار بسته وجود دارد. مصاحبه‌های داخلی ترتیب می‌دهند. زندانی که زیر "تعزیر" بشکند او را در "حسینیه" پشت میکروکسین و جلوی دوربین تلویزیون و فیلم برداری می‌آورند تا خود را معرفی کند و اعمال گذشته‌اش را نفی نماید و توضیح دهد در بازجویی چه چیزهایی را گفته است و اکنون چه موضعی دارد. در همه اتاق‌ها او را می‌بینند و صدایش را می‌شنوند. حاکم شرع که ناظر بر معرفی و مصاحبه داخلی است از همه زندانیان می‌خواهد هر سطلی در باره مصاحبه کننده می‌دانند، بیایند بگویند. دیده شده است افرادی که در آستانه آزادی بوده‌اند بر اثر "افشاگری" یا گزارش یک جاسوس ماندگار شده‌اند.

مصاحبه‌های تلویزیونی هم در "حسینیه" تنظیم و فیلم برداری می‌شود.

اما با وجودی که حکمش صادر شده، اگر ماشه را بکشد او را برای توبه و "توب" شدن در نظر می‌گیرند. پس از شکنجه زندانی را نخست به اتاق می‌برند که چند نفر دیگر هم در آنجا هستند. هم برای خراب کردن روحیه آنان و هم اینکه احتیاطاً یک نفر از آنها "توب" است و گفته‌های بعد از "تعزیر" زندانی را گزارش می‌کند. پس از یکی دو روز "تعزیر" شده، مقام را به سلول انفرادی منتقل می‌کنند و گاهی ماهها او را در آن جا نگاه می‌دارند. در شکنجه گاه، دکتس و وسائل جراحی و معالجه و مداوا هم درد سترس دارند تا نگذارند زندانیانی که بر اثر شکنجه حالشان بد می‌شود بمیرند. پس از مدتی فاصله، "تعزیر" از نو شروع می‌شود.

مرحله نگاهداری در سلول‌های انفرادی هبوا خوری ندارد. در شماره ۲۰۹، چنده در انفرادی و چه در اتاقهای چند نفری هر وقت نگهبان می‌آید اول می‌گوید: روبه دیوار! همه باید روبه دیوار بنشینند. در را باز می‌کند یک نفر را صدا می‌زند. زندانی باید بلافاصله چشم بند خود را که از روز اول گرفته است بزند و بیرون بیاید. نگهبان نقاب دارد. بازجو هم نقاب دارد. در اتاقهای چند نفری زندانیان می‌توانند یکدیگر را ببینند ولی از سوراخ در نباید بیرون را نگاه کنند. هنگام غذا دادن، توالت و حمام رفتن باید روبه دیوار بایستند و چشم بنسند زده باشند. معمولا هرگونه تماس نگهبانان با زندانیان توأم با تحقیر و اهانت و ناسزا گوئی است. به اتاق‌های چند نفری روز ۲۰ دقیقه هبوا خوری یا چشم بند داده می‌شود.

در زیر "تعزیر" اگر زندانی فریاد بزند یا حسین، یا علی تأثیر دارد. میان مسلمان و غیر مسلمان هم تفاوت می‌گذارند. بعضی را فقط به این جهت می‌زند که بگویند کمیست هستی و اگر این را بگویند از روی نوار پیاده می‌کنند و مدرك می‌شود. همان طوری که گفته شده هنگام "تعزیر" پیوسته نوار پیر می‌شود. فریادهای شکنجه شده نیز توسط بازجوهای که در اتاق هستند شنیده می‌شود. اما زندانی همیشه خیال می‌کند که یک نفر بیشتر در اتاق نیست.

پس از دستگیری، زندانی مورد رسیدگسی و تجسس قرار می‌گیرد. کاذبه دستش می‌دهند که جواب سؤاها را بنویسد. زندانی را بارها می‌زنند تا جواب سؤاها را بنویسد. و این کار را بارها تکرار می‌کنند تا در نوشته‌ها تناقضات را بیابند. زن‌ها و دخترها را با شلاق چرمی "تعزیر" می‌کنند.

در داخل محوطه اوین چند زندان وجود دارد. بدترین آنها شماره ۲۰۹ می‌باشد که محل "تعزیر" است. دیگری شماره ۲۶۵ است که انفرادی و عمومی دارد. بخش دیگر "آموزشگاه" است که ۶ بند دارد. بند های ۱ و ۳ و ۵ در سه طبقه، نیمی از ساختمان زبند های ۲ و ۴ و ۶ در سه طبقه، نیمه دیگر "آموزشگاه" چسبیده به "حسینیه" است.

هر کسی را که دارند "تعزیر" می‌کنند در ۲۰۹ نگاه می‌دارند که اتاقهای یک نفری، چهار نفری و یا گنجایش بیشتر دارد. "تعزیر" در زیر زمین انجام می‌گیرد. زندانی را روی تخت می‌خوابانند و دستها را با دستبند و پاها را با کابل سیمی به تخت می‌بندند. مرد ها را با کابل سیمی "تعزیر" می‌کنند. شلاق را به کف پا می‌زنند و بی در پی از او مسئولین بالاتر و قرارهای ملاقات را می‌خواهند. بعد از "تعزیر" مغز و سرسنگینی می‌کند، زندانی منگ و گیج می‌شود و سپس بی‌هوش می‌گردد. ضمن "تعزیر" و شلاق زدن فریادها و گفته‌های زندانی را هم می‌شنوند و هم روی نوار ضبط می‌کنند. اثرا چند "تعزیر" کنند، هم زمان عمل می‌کنند. بعضی می‌زنند و برخی گوش می‌کنند. چشم زندانی بسته است و کسی را نمی‌بیند. اصولا پس از دستگیری بلافاصله چشم بند به زندانی می‌زنند. در هر یک از مراحل "تعزیر" حاکم شرع زندان حکم صد یا پنجاه ضربه شلاق را صادر می‌کند. سپس از آش و لاش شدن زندانی، بازجویی و سؤا و جواب همراه با فحش و توهین شروع می‌شود. چه بسا انگشتان پا بر اثر ضربات کابل سیمی می‌ریزد و یا زندانی به اصطلاح مردم "شاخ بند" می‌شود. در این مواقع با دستگاهی که دارند "شاخ بنسند" را برطرف می‌کنند. گاهی به سرو کله هم می‌زنند و از شوک الکتریکی هم استفاده می‌کنند. اما ایمن بیشتر برای شکستن روحیه است تا گرفتن اعتراف.

زندانی را وادار به نوشتن وصیت نامه می‌کنند تا روحیه‌اش طی بازجویی بیشتر بشکند. "تعزیر" در حدی است که زندانی نمیرد. افراد مسن را زود تر از جوانان موفق می‌شوند بشکنند. افرادی هستند که حکم اعدامشان صادر شده ولی خودشان هنوز نمی‌دانند. ایشان را نزد کسانی می‌آورند که در حال اعدام کردنشان هستند و می‌گویند اگسر می‌خواهی آزاد شوی، ماشه تفنگی را که دست پاسدار است توب باید بکشی. اگر حاضر نشد ماشه را بکشد خود او را هم همراه دیگران اعدام می‌کنند. این امر برای ایجاد رعب و وحشت در میان سایر زندانیان است. زیرا حکم اعدام او قبلا صادر شده بوده ولی زندانیان نمی‌دانسته‌اند.

# در شکنجه گاه

به بیگانه ها  
دیگر بار زندانیان مرا فراخواند  
آنگونه که شب  
فرا می خواند خورشید را  
و مرگ  
آوازی می دهد زندگی را  
برآمدم و  
برون آمدم  
از پیله دریده سلول  
بدانگونه که شایسته آدمی است .  
او دشنامی پر لب داشت  
من سرودی  
او قایقی بی ثبات در توفانی که من بیدم  
و من  
صخره های رخشان  
در ظلمتی که او بود .  
من ستیز و او تازیانه  
او " آری " می گفت و من " نه "  
در دهانم آواز تپه ای دستان بید و  
در جانم مشعل عشق .  
در کاسه سر او ، اما  
انگلیز برده خواهان و سرمایه اندوزان  
تخم هشته بود  
من ریشه در توده فرودستان داشتم  
و او  
پای در گند چاله فرادستان  
پس ،  
برگردم تصیر خونین ستم را  
نقش زد  
و ستاره ناخن هایم را  
خاموش کرد .  
در آن کشتارگاه  
در رویارویی با جانوری که به خنجر  
رازی مقدس را  
در سینما به جستجو می کاوید  
هیچ کس یار نبود  
جز شعله فرزوان حقیقت در جان .  
من فرود افتادم  
بی آنکه سر فرود آرم  
او سر فرود آورد بی آنکه فرو افتاده باشد .  
نالدیکه :  
تسلیم شو ، تازندگی را به توارزانی کتم  
و من سرودم :  
مقاومت می کنم تا مرگ را از تو کرده باشم .  
من برخاستم و او فرو ریخت  
من چون نهالی بالنده که خورشید را آغوش می -  
گشاید  
و او چونان لاشه ای  
که شب را در خویش می آلاید .

مانی

مهرماه ۱۳۶۲

# یورش به حزب توده ایران و قانون کار

هفته گذشته ، د و خیر هم زمان در رساله های گروهی نشر انتشار یافت . خبر اول حاکی از اعدام ده تن از اعضای حزب توده ایران و خبر دوم اعتراض گسترده کارگران به پیش نویس ارتجاعی قانون کار بود . انتشار این دو خبر به طرز هم زمان گویای واقعیت مهمی است که ارتجاع حاکم سعی بر انذار آن دارد .  
کارگران ایران به یاد دارند در مبارزه بسی -  
امانی که سال گذشته علیه پیش نویس توکلی جریان داشت ، رهنمودها ، افشاکاریها و رهبری عملی حزب توده ایران نقش تعیین کننده ای در تحقیق و گسترش این مبارزه ایفا کرد . نقش حزب توده ایران در این نبرد تا به آن حد بود که طراحان پیش نویس کذایی قانون کار نتوانستند کینه طبقاتی خود را علیه حزب توده ایران پنهانی کنند . معتقد رضائی ، دست راست توکلی تهدیدی را که چندی بعد عملی شد ، به ایمن صورت بیان کرد :  
" آنهایی که در ذهن دارند که این قانون بر علیه مستضعفین است ، این را از کله شان بیرون کنند ، اگر مسلمان هستند . اگر که التقاطی و نامسلمان هستند که سرنوشتشان معلوم خواهد بود . با به اوین می روند یا باید از این مملکت

بگذارند بروند " ( آبان ۶۱ ) .  
به این ترتیب بود که یورش سبانه به حزب توده ایران ، پس از شکست برنامه توکلی و شرکاء در تصویب سند بردگی کارگران ، آغاز شد . طبقه کارگر ایران امروز ، بیش از هر زمان به طبقاتی بودن دین دستان حزب توده ایران پی برده است .  
اعتراضات جسورانه و منطقی کارگران ، علیه پیش نویس " جدید " قانون کار که محتوای ضد کارگری پیش نویس توکلی را هم چنان حفظ کرده است ، نشان می دهد که آنها در کوره مبارزه طبقاتی آیدیده تر شده اند و آموزشهای حزب توده ایران را به خوبی فرا گرفته اند . تمامی تلاش ارتجاع در سرکوب حزب ما به اتهامات سیا ساخته " جاسوسی " ، " براندازی " و ... در این جهت سیر می کرد که سیاست و برنامه عملی و اصولی حزب ما را نزد کارگران و زحمتکشان بی اعتبار جلوه دهد . ولی اکنون با ظهور اولین جوانه های پیگیری این سیاست اصولی و آهنین ، صحت ارزیابی طبقاتی و برنامه عمل و مشی حزب توده ایران و بهبودی تاریخی تلاش های ارتجاع ثابت می شود .

# سوقات آیت الله آذری قمی از لندن چیست؟

کاردار سفارت ایران در لندن در مصاحبه مطبوعاتی اعلام کرد ، آیت الله آذری قمی که برای معالجه فسرزندش به انگلستان سفر کرده بود این کشور را به قصد ایران ترک کرده است .  
آیت الله آذری قمی ، دبیر جامعه مدرسین حوزه علمیه قم و یکی از روحانیون راستگرای حاکمیت ۱۰ است که طرفدار نظام سرمایه - داری و مخالف هرگونه اصلاحات اجتماعی - اقتصادی به نفع توده های مردم است .  
او بارها از تریبون نمازهای جمعه شهر قم به طرح اصلاحات ارضی اعتراض کرده و در چرخش حاکمیت ایران به راست و پشت کردن به آرمان های انقلاب شکوهمند مردم ایران ، نقش مهمی به عهده داشته است .  
کاردار سفارت ایران در لندن ، سفر آیت الله آذری قمی به این کشور را با بهانه معالجه فرزند بیمارش توجیه کرده است .  
این گونه سفرهای پنهانی معمولاً به بهانه هایی از آن دست که کاردار سفارت ایران اعلام داشته است ، برای برقراری ارتباط و هماهنگی صورت می گیرد .  
امپریالیسم پیر و کهنه کار انگلستان در مجامع و محافل وابسته به روحانیت راستگرای ایران ، نقض و انکار ناپذیر دارد . همین روحانیون وابسته مستقیم و غیر مستقیم به سازمان جاسوسی انگلیس در سالهای پس از پیروزی انقلاب علیه انقلاب و نیروها و سازمانهای طرفدار آن سرگرم

توطئه بودند . آن چنان که در تحلیل ۷ فروردین ۶۲ حزب توده ایران افشا شد ، طرح یورش به حزب توده ایران با نظارت مستقیم سازمان جاسوسی انگلیس تهیه شده و توسط عسکر اولادی ، وزیر بازرگانی وقت که سفری به پاکستان کرده بود ، در اختیار حاکمیت قرار گرفته با توجه به این سابقه است که اکنون هتجر انسان شرافتمند و علاقمند به سرنوشت انقلاب ایران از خود می پرسد آیا سفری که آیت الله آذری قمی به لندن داشته است ، علاوه بر تحکیم پیوند روحانیون طرفدار نظام سرمایه داری و وزیر داری بزرگ و نزدیکی هر چه بیشتر و سریع تر ایران به امپریالیسم حاصلی از آن گونه که سفر عسکر اولادی داشت به همراه نخواهد داشت ؟  
آیا خائنین به انقلاب ایران ، این بار توسط وی برای امپریالیسم کهنه کار پیام نفرستاد هاند و اطمینان نداد هاند که راه رفته را ( خیانت به انقلاب ) باز نخواهند گشت ؟ مأموریت ابلاغ شده توسط عسکر اولادی را تا با به خاک و خون کشیدن همه توده های ما به عنوان وثیقه خیانت به انقلاب به پایان خواهند برد ؟ آیا او حامل طرح یورش و دستگیری تجدیدی نیست ؟ برای انتخابات تجدید مجلس شورای اسلامی که در پیش است و جامعه مدرسین حوزه علمیه قم نقش درجه اول را در آن بازی می کند ، طرحی به همراه نیاورده است ؟ آیا او حکم اعدام همه توده های ما را در لندن دریافت کرده است ؟ و ...

# خشم و نفرت مردم مرفی جهان از . . .

## شب همبستگی با زندانیان سیاسی ایران در برلین غربی

بقیه از صفحه ۳  
 د ژخیمان مورد شکنجه قرار گرفتند و شهید می گردند  
 خانواده ه زندانیان کوچک ترین اطلاعی از  
 وضع جسمی و روحی خویشان در بند خود ندارند و  
 صرفا به خاطر پیوند های خانوادگی مورد هرگونه  
 بی حرمتی و شکنجه روحی و روانی قرار می گیرند و  
 حتی به عنوان گروگان به اسارت برده می شوند .  
 ما خانواده های زندانیان سیاسی ایسپران  
 ضمن ابراز تنفر از این جنایات ننگین خواستار  
 پایان بخشیدن فوری به این اعمال ضد بشری و  
 غیرقانونی سردمداران ج ۱۰ هستیم . و آزادی  
 بدون قید و شرط تمام زندانیان سیاسی در بند که  
 تنها به جرم دگراندیشی و دفاع از انقسلاب  
 شکوهمند ایران در فراموشخانه به دست د ژخیمان  
 سپرده شده اند خواهانیم .  
 کمیته خانواده زندانیان سیاسی ایران

اعضای حزب توده ایران ، تلگرامی خطاب بسه  
 دولت ج ۱۰ ارسال داشته است . وی در  
 این تلگرام اظهار داشته است که با اعدام این  
 میهن دوستان به زندگی انسانهایی پایان داده  
 شد که برای تأمین استقلال و آزادی برای کشور  
 خود و سرنگونی رژیم ارتجاعی شاه مبارزه کرده  
 بودند .  
 وی در تلگرام خود با محکوم کردن این عمل  
 جنایتکارانه آن را اقدامی در جهت منافع  
 دشمنان خلق و مغایر با منافع مردم ایران  
 خواند .  
 کورت ارباخ ، ضمن طلب پایان دادن بسه  
 این جنایات علیه میهن دوستان ایرانی بار دیگر  
 خواست محافل دمکراتیک جهان مبنی بر صدور  
 اجازه ورود هیأت های ناظر بین المللی برای  
 بازدید از زندانیان و بررسی وضع زندانهای  
 ایران را مورد تأکید و باره قرار داده است .

به ابتکار کمیته همبستگی با زندانیان سیاسی  
 ایران متشکل از هنرمندان متعهد ، حقوق دانان  
 مرفی و سایر نیروهای صلح دوست ، ضد فاشیست  
 و مرفی آلمانی و خارجی گرد همائی بزرگی  
 در روز دوشنبه ۸ اسفند ۱۳۶۲ ( ۲۷ فوریه ۸۴ )  
 در برلین غربی بر پا شد .  
 در این گرد همائی که در آن بیش از ۵۰۰ نفر  
 شرکت داشتند ، حاضرین در ابتدا با یک دقیقه  
 سکوت خاطره همه شهدای انقلاب ایران و خصوصا  
 ۱۰ تن از افسران میهن دوست و اعضای حزب  
 توده ایران را که هفته قبل از طرف حکام جابسر  
 و ارتجاعی ج ۱۰ به جوخه اعدام سپرده شدند ،  
 گرامی داشتند . سپس سخنگوی کمیته همبستگی  
 با زندانیان سیاسی ایران طی سخنرانی خود  
 هدف تشکیل این کمیته را اعلام نمود و از جمله  
 گفت :  
 " خیانت رهبران ج ۱۰ به اهداف انقلاب  
 بهمن ۵۷ ، انقلابی که در خارج از ایران نیز ،  
 با استقبال بی نظیر نیروهای مرفی روسرو  
 شده بود ، سرکوب نیروهای انقلابی توسط ایسن  
 خائنین و قربانی شدن بهترین فرزندان خلق به  
 درگاه امپریالیسم ، وضعیت فوق العاده دردناک  
 و دشوار زندانیان سیاسی ایران که هر آن در  
 معرض نابودی قرار دارند ، هراسان آزاده های  
 وامی دارد که برای نجات جان این بهترین  
 فرزندان انقلاب که اکنون در سیاهچالهای ج ۱۰  
 بسر می برند ، همبستگی و پشتیبانی کامل خود را  
 از همه زندانیان سیاسی میهن دوست ایران  
 سر لوحه کار خود قرار دهد " .  
 سخنگوی کمیته سپس با اشاره به جنگ  
 خانمانسوز ایران و عراق یاد آور شده که امروزه  
 افسران آزاد مومینند وست که گناهی جز عشق به  
 میهن و مردم ندارند ، از طرف سردمداران رژیم  
 ج ۱۰ به ظاهر با اتهامات واهی ، و لسی در  
 حقیقت به خاطر نیات صلح دوستانه شان به  
 جوخه های اعدام سپرده می شوند .

## اعلامیه کمیته مرکزی حزب کمونیست یونان درباره اعدام ده تن از میهن دوستان ایرانی

افکار عمومی دمکراتیک یونان از خبر اعدام  
 ۱۰ افسر میهن دوست و ۶ تن از دیگر اعضا  
 حزب توده ایران ، توسط ارگانهای سرکوبگر رژیم  
 ایران ، مطلع شدند .  
 کمیته مرکزی حزب کمونیست یونان ایسن  
 اقدام وحشیانه رژیم ایران را که پس از شکنجه های  
 طولانی در زندان و دیگر اعمال فشار و تزییق  
 توسط مسئولان ج ۱۰ به اجرا گذاشته شد ،  
 محکوم می کند .  
 کمیست ها و همه دمکرات های یونانی

## بیانیه حزب کمونیست آلمان فدرال

حزب کمونیست آلمان طی بیانیه ای خطاب به  
 سفارت ج ۱۰ در برلین که رفیق هرمان گوتیرران  
 را امضا کرده است ، به اعدام ۱۰ تن از  
 اعضا ، حزب توده ایران شدیدا اعتراض کرد .  
 رفیق هرمان گوتیرر در بیانیه خود خاطر  
 نشان ساخته است که با این اعدام ها ، ترور علیه  
 میهن دوستان ایرانی بار دیگر شدت یافته است  
 جرم این میهن دوستان تنها دفاع پیگیرانه  
 اهداف انقلابی و فعالیت پیگیر ضد امپریالیستی  
 آنان در راه تأمین رفاه خلق ایران بوده است .  
 " مسئول ترور این میهن دوستان ایرانی آن  
 محافل هستند که می خواهند ایران را بار دیگر به  
 هواداری از امپریالیسم و شوروی ستیزی باز  
 گردانند .  
 حزب کمونیست آلمان در این بیانیه خواستار  
 قطع فوری تمام تزییقاتی شده است که مقامات  
 ایرانی علیه این انسانهای بی گناه اعمال کنند  
 . . .

## یونان

کمیته یونانی همبستگی با توده های  
 زندانیان ضد امپریالیست در ایران تلگرامی  
 اعتراضی نسبت به اعدام دمکرات ها و افسران  
 میهن دوست ، اعضای حزب توده ایران به ایران  
 ارسال داشته است .  
 در این تلگرام روش های قانون شکنانه دادگاه  
 ها و سپردن بهترین مبارزان خلق ایران که  
 تمامی زندگی خود را وقف مبارزه در راه آزادی  
 دمکراسی و صلح کرده بودند به جوخه های اعدام  
 شدیدا محکوم شده است .  
 جنبش متحد سندیکائی کارگری یونان ، طی  
 صدور اعلامیه ای انزجار شدیدا خود را نسبت به  
 اعدام ۱۰ تن از اعضای حزب توده ایران اعلام  
 داشته و اعمال خود سرانه و سرکوبگرانه دستگیری ،  
 شکنجه و قتل پیشروان نیروهای خلقی را شدیدا  
 محکوم کرده است . در این اعلامیه آمده است :  
 " این سرکوب ها علاوه بر آسوست های امپریا-  
 لیسم آمریکا را برآورده می کند . "

## آلمان فدرال

کورت الباخ ، صدر اتحادیه ضد فاشیست های  
 آلمان فدرال ، در اعتراض به اعدام ۱۰ تن از

سپس نقاش معروف " کریستف نیسن " به  
 سخنرانی پرداخت و ضمن اعلام پشتیبانی از  
 کمیته همبستگی با زندانیان سیاسی ایران ،  
 مبارزات هنرمندان و روشنفکران ایران را چه در  
 دوران رژیم شاه و چه در شرایط کنونی ستود و  
 یاد آور شده که امروز در ایران پس از انقلاب هم  
 مرتجعین غاصب هنرمندانی چون محمود  
 اعتماد زاده را با شکنجه خرد کرده و یا فیلسوف  
 و شاعر بزرگی چون احسان طبری را با همان  
 شکنجه های دشمنانه به بیمارستان می کشانند .  
 پس از آن " هانس شرودر " دبیر کنونی  
 اتحادیه ضد فاشیست های برلین غربی ، مبارز  
 قدیمی که سالها تحت پیگرد رژیم نازی قرار  
 داشت ، پشت تریبون قرار گرفت و ضمن اعلام  
 همبستگی با مبارزات مردم ایران ، یاد آوری های  
 درخشان و میهن دوستی مبارزان حزب توده  
 ایران را مورد ستایش قرار داد . وی با ذکر  
 خاطره ای که یاد آور همبستگی عمیق نیروهای  
 بقیه در صفحه ۷

# خشم و نفرت مردم مترقی جهان از ...

بقیه از صفحه ۶

همبستگی با زندانیان سیاسی ایران به تصویب رسیده بود، قرائت نمود.

متن این قطعنامه چنین است:

" هنرمندان صلح دوست " که در جلسه روز ۲۷ فوریه ۱۹۸۴ گرد هم آمده بودند با انزجار فراوان از خبر محاکمات و اعدام های اخیر در ایران که طی آن چند کمونیست و نظامی بلند پایه به خاطر مبارزه علیه جنگ ایران و عراق و برای پیشرفت اجتماعی به جوخه های اعدام سپرده شدند، مطلع شدند.

ما خواستار آنیم که:

- به اعدام ها پایان داده شود و یک گروه ناظر بین المللی در محاکمات کنونی حضور یابد!
- تمام زندانیان سیاسی ایران آزاد گردند!
- جنگ بین ایران و عراق هرچه زودتر پایان یابد!

مترقی جهان با مبارزین آلمانی دوران سیاه تسلط فاشیسم هیتلری بود، اعلام داشت که امروز نیز مبارزان انقلابی ایران اعم از زندانیان سیاسی و آنها که خارج از زندانها به مبارزه علیه تسلط سیاه ارتجاع در ایران ادامه می دهند، به یک چنین همبستگی گسترده بین المللی نیاز دارند.

سپس هنرمندان مشهوری چون احمد برقو " ایلزه شر " و گروه کر نشین و گسروه کسر " هایس آیسر " بر نامه هایی اجرا کردند و " گیزلا کرافت " نمونه های ارزنده ای از شعر پویا و متعهد آلمان را عرضه نمود.



شرکت گروه های هنری از جمله ایسلر و نوشین در شب همبستگی با زندانیان سیاسی ایران

## بیانیه هیئت سیاسی حزب کمونیست اتریش

هیأت سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست اتریش طی یک بیانیه که در روزنامه " فولکس اشتیمه " مورخ ۲۸ فوریه ۱۹۸۴ درج شده، اعدام ۱۰ تن از اعضای حزب توده ایران را شدیداً محکوم کرده است.

متن این بیانیه تحت عنوان " این رژیم را باز دارید " چنین است:

" کمونیست های اتریشی شدیداً به اعدام اعضای رهبری حزب توده ایران اعتراض می کنند. کمونیست های ایرانی همواره به میهن و انقلاب خود خدمت کردند. آنان هنگامی نیز که محافظ حاکمه ایران، روحانیون و بورژوازی شروع به خیانت به اهداف انقلاب کردند از این خدمت باز نایستادند. چنانکه پیداست این امر در چشم ارتجاع ایران " گناه " حقیقی کمونیست هاست. این عمل مقامات مسئول ایران به منافع کشور نیز لطمه وارد می سازد. کمونیست های اتریشی از دولت قدرال اتریش می خواهند که به نام انسانیت در این امر مداخله کنند.

نباید گذاشت موج شکنجه انسانهای پیشرو و اعدام آنان ادامه یابد.

- زنده باد همبستگی انسانهای پیشرو در جهان!

- درود به کمونیست های ایرانی که تحت پیگرد هستند ولی به مبارزه خود ادامه می دهند!



با عکس در مطبوعات مترقی بریتانیا انتشار یافته است.

است. شرح برپای این تظاهرات اعتراضی، همراه

## بریتانیا

بنا به دعوت حزب کمونیست بریتانیا، روز ۳۱ ژانویه ( ۱۱ بهمن )، نمایندگان سازمان های مترقی این کشور، به منظور اعتراض به احکام صادره از دادگاه های درسته نظامی علیه افسران مدافع انقلاب و اعضای حزب توده ایران تجمع کردند.

تظاهر کنندگان، ضمن حمل پلاکارتهایی مبنی بر خواست قطع اعمال شکنجه در زندان های ج ۱۰، آزادی کلیه زندانیان سیاسی مترقی و پایان دادن به اعمال تضییقات علیه حزب توده ایران و اعضای آن، مراتب تنفرو انزجار خود را نسبت به فجایعی که علیه نیروهای مترقی کشور ما صورت می گیرد، ابراز داشتند.

در میان تظاهر کنندگان، شخصیت های برجسته سیاسی بریتانیا نیز به چشم می خوردند که یکی از آنها رفیق جری پوکاک، عضو کمیته مرکزی و هیأت سیاسی حزب کمونیست این کشور

# اعتراض کارگران علیه پیش نویس بزرگ شده قانون کار اوج می گیرد!

" متأسفانه قدرت سند یگانه های زمان طاغوت بیشتر از قدرتی است که برای شوراهای اسلامی مندرج در پیش نویس جدید قانون کار در نظر گرفته اند "

" قانون شوراهای اسلامی مندرج در پیش نویس فعلی قانون کار، جوابگوی نیازهای جامعه کار و کارگری نیست "

" چرا در همان ابتدای تدوین قانون کار از نظرات کارگران و خانه کارگر برای تدوین پیش نویس استفاده نشد که حالا مجبور شوم در سمینار یک روزه تمامی این نظرات را جمع آوری کنم "

" ما خواستار ممنوعیت کامل اشتغال افراد کم سن و سال هستیم "

و . . . "

اساسی تطبیق داده شده نیازی به قید ایمن بخش نداریم "

کارگران به درستی خواهان حذف فصل چهارم پیش نویس شده اند . آنها با ششم طبقه خود دریا فته اند که این فصل پیش نویس، پیامال کتنده مهم ترین دست آورد مبارزات ۷۰ ساله طبقه کارگر است . این فصل پیش نویس، استثمار بی قید و شرط و بی حد و مرز کارگران را توسط کارفرمایان بخش خصوصی قانونیت می بخشد . کارگران همچنین فقدان مواد مربوط به بیمه و تأمین اجتماعی را در این پیش نویس محکوم کردند . به نحوی که کمالی، نماینده مجلس مجبور شد اعتراف کند:

" در این پیش نویس تکلیف بیمه و درمان روشن نیست "

## کارگران میراث توکلی را ساخته اند

پیش از یک سال پیش، دبیر انجمن همبستگی شوراها و سند یگانه های تهران، توطئه ای را که کارگران امروز شاهدان هستیم با این جملات افشا کرد:

این فریاد اعتراض کارگران است که در سالن های باشگاه دخانیات و وزارت کار شنیدیم - اندازد . کارگران ایران با انگشت گذاشتن بر روی نقاط ضعف اساسی این پیش نویس " جدید " آگاهی سیاسی و ششم طبقه خود را نشان دادند و خشم و انزجار خود را نسبت به ماهیت ارتجاعی این پیش نویس اعلام کردند . آنان به درستی توطئه انحلال تشکلهای صنفی کارگری، توسط ارتجاع حاکم را افشا کردند و با صدای بلند اعلام داشتند که تشکیل آزاد انجمن های صنفی - سندیکا و شورا - حق آنان است و هیچ مرجعی مجاز نیست آنها را از این حق محروم کند . حق تشکلهای صنفی، حاصل مبارزه طولانی طبقه کارگر است که کارگران ایران توانستند در اصل ۲۶ قانون اساسی آن را تثبیت کنند . آنان همچنین تأمین حق مشارکت در مدیریت و برنامه ریزی واحدها را طلب می کنند - منصور مینویی، نماینده کارگران شیراز در سمینار وزارت کار می گوید:

" ما شوراهای مشارکتی می خواهیم مشورتی کارگران در مجامع دیگر نیزه ضمن اشاره به اصل ۱۰۴ قانون اساسی که حق مشارکت کارگران را در اداره واحدهای کار تضمین کرده است، خواهان تحقق این دست آورد انقلاب بهمین ۵۷ هستند و سدوت آگاهانه تدوین کنندگان پیش نویس را در این مورد محکوم می کنند ."

موج اعتراض کارگران علیه فصول ضد کارگری این پیش نویس آن قدر شدید است که مجبور مشاور نخست وزیر در یک مصاحبه مطبوعاتی به ناچار اعلام می کند:

" به نظر ما اگر بند بند این بخش پیش نویس ( فصل چهارم مواد ۱۳۷ تا ۱۴۰ ) با قانون

" ما می دانیم که پیش نویس قانون کار به این صورت تصویب نخواهد شد . به نظر ما تدوین کنندگان قانون هم این را می دانند و از اول هند می دانستند . منتهی امید حضرات این است که این پیش نویس لااقل به عنوان مبنا و اساس بر پذیرفته شود و اگر این جا و آن جا " تکمیل " اصلاح " شد، به هر حال روح این قانون باقی بماند ."

اولین " اصلاح " کتنده آن پیش نویس کذائی خود آقای توکلی بود . او در مصاحبه ای با روزنامه کیهان در اردیبهشت سال ۶۲ اعلام کرد که برخی نواقص رفع شده و بعضی فصول پیش نویس تکمیل شده است - تغییراتی که در پیش نویس " جدید " صورت گرفته، تنها در بزرگ کردن پیش نویس توکلی، با حفظ همان روح و چهارچوب ضد کارگری خلاصه می شود . مسئولین فعلی وزارت کار نیز خود همه جا از " برخی تغییرات " در پیش نویس قبلی صحبت می کنند . به عبارت دیگر به حفظ چهارچوب پیش نویس توکلی اعتبار داده دارند .

این نکته، یعنی توجه به روح ضد کارگری حاکم بر این پیش نویس، در اعتراضات کارگران به خود مشاهده می شود . محبوب و مشاور کارگری نخست وزیر و عضو شورای مرکزی خانه کارگر تحت فشار کارگران مجبور است بگوید:

" ما به کلیات این قانون انتقاد داریم "

## کارگران تمام مواد پیش نویس را مورد حمله قرار می دهند

گذشته از افشا ورد پایه های اساسی ضد کارگری این پیش نویس، کارگران تمامی مواد آن را یک به یک مورد اعتراض قرار می دهند . در واقع هر یک از این مواد جلوه ای از تحقیر، اهانت سرکوب و پایمال کردن حقوق اساسی دارگساران توسط وزارت کار سرمایه داران است .

عبد الهی، نماینده کارگران صنایع شیشه کسر در گرد همائی وزارت کار گفت:

" ماهیت ماده ۳۳ قانون کار طاغوت به قوت خود باقی است ."

قدرت الله آزاد نماینده کارگران پینزد با ف پس از افشا حیلله حامیان سرمایه داری بسراء تثبیت حق استثمار کودکان خرد سال، در پیش نویس قانون کار، اعلام کرد:

" ما خواستار ممنوعیت اشتغال افراد کم سن و سال هستیم "

بقیه در صفحه ۹



# کارگران ایران! در تشکلهای واقعی کارگری (سندیکاها و شوراها) متشکل شوید



# اعتراض کارگران علیه پیش نویس ...

بقیه از صفحه ۸

نماینده کارگران کارخانه گچ تهران :  
"خواستار برابری مرخصی سالیانه کارگران و مستخدمین دولت شد"

نماینده کارگران کارخانه یسزد باف ضمن حمله به تبصره ماده ۶۵ پیش نویس "که به کار فرما حق می دهد ساعات کار را به هر نحو که خواست تغییر دهد" آن را ضد کارگری خواند و گفت :  
"این ماده باعث هرج و مرج خواهد شد و کارگران نخواهند توانست برای زندگی خود برنامه ریزی کنند"

کارگران شرکت کننده در سمینار خانه کارگر در باشگاه دخانیات محظرات خود را طی یک قطع نامه ۳۲ ماده ای بیان کردند که از جمله حاوی نکات زیر است :

- "تجدید نظر و تغییر ماده مربوط به اضافه کاری ؛
- افزایش مرخصی کارگران شاغل در کارهای سخت ؛
- روشن شدن وضعیت کارگران در موارد کار افتادگی ناشی از کارهای غیر شغلی ؛
- رفع نواقص مواد مربوط به ازکارافتادگی و بازنشستگی ؛
- جلوگیری از اخراج کارگران ؛
- جبران مابه التفاوت دستمزد ایام بیماریان ؛
- تأمین حقوق کارگران در شرایط تعطیل کارخانجات ؛
- تخمین مواد مربوط به بیمه اوقات بیماری کارگران در بخش تأمین اجتماعی ؛
- قید پرداخت عیدی کارگران ؛
- خواسته های دیگر کارگران عبارتند از :  
- شمول قانون کار بر تمامی کارگران کشور ؛  
- تثبیت و تضمین حق کار به عنوان یکسانی از حقوق اساسی افراد کشور و برقراری بیمه بیماری ؛  
- جلوگیری از اخراج زنان و تأمین برابری حقوق زنان و مردان کارگر"

## تدوین قانون کار بدون مشارکت کارگران ارزش ندارد

کارگران به حق می پرسند، مگر ما بارها نگفتیم که نمایندگان ما باید در تدوین قانون کار شرکت فعال داشته باشند؟ مگر ما به هنگام طرح پیش نویس توکلی به آن ایراد نگرفتیم که بدون مشارکت ما تهیه شده است. مگر ما بارها اعلام نکردیم که تدوین قانون کار انقلابی بدون مشارکت کارگران ممکن نیست؟ پس چرا صرف حساب ما به گوش مسئولان ج ۱۰ فرو نمی رود؟  
نماینده کارگران کارخانه گچ تهران در سالن وزارت کار فریاد برمی آورد که :

"چرا در همان ابتدای تدوین قانون کار نظرات کارگران و خانه کارگر برای تدوین پیش نویس استفاده نشد؟"  
کارگران ایران اکنون بیش از پیش بی می برند

که چرا شوش شنوائی در حاکمیت ج ۱۰ - برای شنیدن خواسته های به حق آنان وجود ندارد؟ حاکمیت ج ۱۰ که به خواسته های اساسی انقلاب بهمن پشت نرده است از کارگران وحشت دارد. آری حاکمیت ج ۱۰ از تشکل های مستقل کارگران از خواسته های کارگران و به طور کلی از کارگران وحشت دارد. مسئولان ج ۱۰ آن قدر از کارگران در افتاد هاند که حتی در جلساتی که خود شان کارگران را به آن دعوت کرده اند حضور نمی یابند. آنان برخلاف ادعاهای گذشته خود، کارگران را شایسته آن ندیده هاند که در جلسه آنان شرکت



کنند. علی یوسفی یکی دیگر از نمایندگان کارگران در سالن وزارت کار می گوید :

"از وزیر کار و نماینده کارگران در مجلس، آقای کمالی به خاطر عدم حضورشان در این جلسه گله می کنم"

عدم مشارکت کارگران و نمایندگان واقعی آنان در تدوین و تنظیم این پیش نویس موجب گردیده که علاوه بر پایمال شدن حقوق کارگران در این پیش نویس، متن آن نیز به زبان کارفرمایان نوشته شود تا سرمایه داران بتوانند از متن مبهم، پیچیده و کندار آن در جهت غارت کارگران بهره جویند و آن را متناسب با منافع خود تفسیر کنند. آقای محبوب مشاور کارگری نخست وزیر ج ۱۰ در مصاحبه مطبوعاتی خود پس از جلسه سالن دخانیات اعلام کرد :

"خواستار مستر کارگران ساده بودن و آسان تنظیم کردن و صریح بودن قانون جدید کار است"

## لزوم بحث وسیع و همه گیر و همه جانبه

کارگران این بار نیز هم چون گذشته ضمن

اعتراض به مسئولین رادیو و تلویزیون خواستار انعکاس مسائل مطرح شده در این سمینارها شدند. کارگران به حق خواهان اختصاص برنامه روزانه ای برای بحث و بررسی این پیش نویس هستند. آنان به درستی بر این واقعیت تأکید داشتند که بخش مهمی از کارگران در زحمتکش ایران می سواد و کم سواد هستند و یکی از راه های مشارکت آنها در تدوین قانون مربوط به سرنوشت خود و فرزندانشان، بخش برنامه های منظم و روزانه از رادیو و تلویزیون است.

کارگران همچنین جراید رسمی کشور را مورد انتقاد قرار دادند که :

"نظرات آنها را یا اصلاً چاپ نمی کنند و یا حد اکثر پس از سانسور شدید چاپ می کنند"

## در جلسه سرمایه داران و کارفرمایان چه گذشت؟

نمایندگان سرمایه داران برخلاف کارگران با سکوت در مورد پایه های اساسی روح ضد کارگری حاکم بر این پیش نویس، آن را مورد تأیید ضمنی قرار دادند. آنها به این هم اکتفا نکردند و خواهان حملات بیشتری به حقوق کارگران شدند. عبدالله آزاد بیان نماینده کارفرمای کارخانه پروفیل سپاهان "خواهان افزایش ساعات کار کارگران شد"

مرتضی بهستی از کارخانه ایران لا و خشم خود را از تشکل های کارگری و ضدیت خود را با آنها بی پرده بیان کرد. او با تکیه بر رد قانون نیم بند شوراهای کارگری مصوب مجلس توسط شهورای نگهبان سرمایه داری، خواهان حذف مواد مربوطه از پیش نویس شد.

این خواسته های کارفرمایان که گوشه ای از طمع و حرص پایان ناپذیر سرمایه داران است، نشان می دهد چنانچه طبقه کارگری ایجاد وحدت و تشکل سراسری صفوف خود را فشرده تر نکنند، سرمایه داران آمادگی تهاجمات باز هم بیشتری را به حقوق کارگران دارند.

## پیش نویس بزرگ شده قانون کار توکلی باید به سرنوشت اصل خود دچار شود

همان طهر که مشاهده می شود کارگران نه این یا آن ماده پیش نویس، بلکه کل آن را، روح حاکم بر آن را رد می کنند. کارگران به صراحت می گویند که پیش نویس بزرگ شده باید به سرنوشت اصل خود دچار شود. برخلاف نظر وزیر کار که سعی دارد تا با "اصلاحاتی" این پیش نویس را قابل قبول معرفی کند، کارگران به هیچ وجه آن را اصلاح پذیر نمی دانند.

کارگران یک بار دیگر خواست خود را که پیش از یک سال پیش از زبان دبیر انجمن همبستگی شوراها و سندیکاها بیان شده بود تکرار می کنند :  
"به نظر ما پیش نویس قانون کار، قابل اصلاح نیست. این قانون با روحی مغایر روح قانون اساسی و منافع و مصالح توسعه اقتصادی کشور و علیه منافع زحمتکشان تهیه شده و آن را هر قدر هم به اصطلاح بهبود بدهند، باز همین روح در آن باقی خواهد ماند"

# در هفته ای که گذشت:

## مردم ایران با جان خویش تاوان خیانت سران ج.ا.رامی پرداختند

طغیان دریاچه هامون، خانه و کاشانه پیش از ۵۰۰ خانوار ساکن این دریاچه را کپی در نزدیکی زابل قرار دارد به زیر آب برد. بر اثر این حادثه، بیش از ۱۰ تن از هموطنان محروم و رنج دیده، این بخش از کشورمان کشته و تعداد زیادی مجروح گردیدند. هم چنین حدود ۲۰۰/۰۰۰ راس دام که همه دارائی ایمن زحمتکشان محروم را تشکیل می دهد، تلف شدند. (کیهان ۳ اسفند)

کلیه ساکنان دو روستای بیرجند، به نام های "دشنگ" و "برنیک" نیز در اثر طغیان همین دریاچه به زیر آب فرورفتند. در روستای دشنگ بیش از ۱۰۰ چادر نشین مفقود و بیش از ۱۰۰۰ راس دام تلف شدند. در روستای "برنیک" نیز ۱۱۰ خانوار روستائی زندگی می کنند که همگی به کام سیلاب فرورفتند. (اطلاعات ۷ اسفند)

در نگاه اول، شاید این فاجعه مصیبت بار، تنها يك بلیه طبیعی به نظر آید. اما هنگامی که اوضاع و شرایط دشوار تحمیل شده بر کشور و مردم رنج دیده ما را به حساب آوریم، منظره دیگری در برابر دیدگان ما تصویر می شود.

سخنان نماینده زابل به گونه ای مبهم گویای این واقعیت است. او که با هزار "اما" و "اگر" و "شاید" صحبت می کند، اقرار دارد:

"ابعاد حادثه به قدری وسیع و رقت آور است که دل هر بیننده ای را به درد می آورد" (کیهان ۸ اسفند)

وی کوشید "ابعاد وسیع و رقت آور" ایسن حادثه را زیر سایه سیاه "در اولویت بودن اخبار جنگ سرنوشت ساز اسلام علیه کفر" بکشد. اما با این حال، واقعیات، تلخ تر و کوبنده تر از آن بود که نادیده انگاشته شود. واقعیاتی که تحمل آن، مردم را آن چنان بر سر خشم آورده که ممکنست از هرود "نماینده" خود به زادگاهش نیز جلوگیری کنند. نماینده زابل می گوید:

"اگر حداقل بخشی از درد های مردم را باز گو کنیم، نه تنها در مدت باقی مانده از عمر مجلس دوره اول نخواهیم توانست وارد منطقه شوم، بلکه در آیند از مراجع به زادگاه خود نیز محروم خواهیم شد" (همانجا). اخبار رسیده پیرامون این واقعه، دل خراش حاکی است وقوع حادثه از ۲۵ بهمن ماه شروع شده و تنها پس از ۸ روز، یعنی هنگامی که امکان نجات بسیاری از قربانیان، از دست رفته بود، عملیات امدادی شروع شده است.

مسئولین نه تنها مستقیماً در امر کمک رسانی به مردم کوتاهی کردند، بلکه در یاری مردم مناطق دیگر به ساکنین این روستاها نیز اخلاص به وجود آوردند.

همین اخبار حکایت دارد قایق های افرادی که در نینزار و کناره دریاچه سکنت داشتند، چند روز پیش از حادثه (ظاهراً به منظور جلوگیری از قاچاق!) جمع آوری شده بود. این قایق ها می توانستند در امر نجات اهالی، نقش حیاتی بخشی بازی کنند.

نماینده زابل اعلام کرد مسئولین منطقه صلاحیت گردانندگی امور را ندارند و با مردم به گونه ای نامطلوب برخورد می کنند.

"ابعاد وسیع و رقت آور" این حادثه بیانگر سیاست ضد انقلابی و ضد مردمی رژیم حاکم بر ایران است. رژیمی که به تمام وعده های خود به مردم پشت کرده است.

## معتدین بازار ولی نعمت های ج.ا.

آقای خامنه ای، رئیس جمهور، در دیدار با نمایندگان انجمن های اسلامی اصناف و معتدین بازار و اصناف گفت:

"معتدین بازار، اولین کسانی بودند که جرقه مبارزه در جان آنان افتاد و این بار امانت را گرفتند و عامه بازار نیز در این جهت کوشانده شدند. لذا این قشر در مجموع، نسبت کمک و مساعدت به نهضت از نسبت کمک و یاری دیگر قشرهای مشاغل بیشتر بود" (ج ۱۰ - ۱۱ اسفند).

این اولین بار نیست که آقای رئیس جمهور از حامیان اقتصادی و ولی نعمت های خود قدر شناسی می کند. اما مردم این "معتدین" رئیس جمهور را به خوبی می شناسند. این اشخاص، کسانی جز سگرا و لادی ها، خاموشی ها، پورا ستادها و هم پالکی های آنها نیستند. آقای خامنه ای به خوبی می داند که انقلاب محصول فدکاری متهرمانی و از خود گذشتگی بی نظیر کارگران و زحمتکشان کشورمان بود. معتدین بازاری "ایشان لنگ لنگان و بعد از روشن شدن

سرنوشت نبرد خلق و رژیم خائن پهلوی به ایسن نبرد پیوستند و بعد از پیروزی انقلاب به "همت ولای" آقای خامنه ای و امثالهم بر سرنوشت و مقدرات انقلاب حاکم شدند.

اما آقای خامنه ای به اظهارات بالا بسند نمی کند. او بازاریان را به ایفای نقش بیشتر در سیاست کشور فرا می خواند و می گوید:

"انتخابات، یکی از مسائل اساسی است که امام امت نیز تکلیف شما را در این زمینه مشخص فرمودند" (همانجا).

این سخنان آقای خامنه ای به روشنی بیانگر سمت و سوی سیاست حاکمیت ج.ا. و نیز گرایش شخص رئیس جمهور، به مثابه یکی از پرچمداران این سیاست در قاع از بازار و به ویژه لایه های بالایی آنست.

## آمار گمرک نشانگر احیاء وابستگی به امپریالیسم

گمرک ایران فعالیت های این سازمان را در دی ماه سال جاری اعلام کرد. بر اساس این گزارش کالاهای ترخیص شده در دی ماه سیال جاری نسبت به ماه مشابه سال قبل ۲/۷۴ درصد از نظر وزن و ۹۱/۷ درصد از لحاظ ارزش افزایش نشان می دهد. این گزارش نشان می دهد صادرات کشور در ماه مورد بحث در مقایسه با ماه مشابه سال قبل ۷/۸ درصد، از نظر وزن افزایش و ۱۱/۶ درصد، از لحاظ قیمت کاهش داشته است.

این آمار در عین حال نشانگر آنست که واردات کالاهای مصرفی و محصولات کشاورزی، روز به روز افزایش می یابد و هم زمان با آن صادرات کشور بی وقفه کاهش می گیرد.

طبق همین آمار، طی دی ماه امسال ۷۰۱۳۹ تن مسافر از طریق گمرکات هوایی، زمینی و دریایی به کشور وارد شدند که تعداد ۱۵۱۱ تن آنها ایرانی و بقیه خارجی بودند. "مطمئناً ۵۰ هزار مسافر خارجی که ظرف یک ماه وارد ایران شده اند به انگیزه سیاحت ویرانی های جنگ خانمانسوز و باز دیداز به اصطلاح "معجزات" حاکمیت ج.ا. به ایران نیامده اند! اکثریت این مسافران بقیه در صفحه ۱۳



# اصلاحات ارضی بنیادی و نوسازی روستاها پیش شرط حل مسئله روستائیان است

روستائیان به شهرها شدت گرفت و امروز ابعاد این مهاجرت دامنه غول آسایی به خود گرفته است. به طوری که اکنون میزان مهاجرت، از سالی یک میلیون نفر نیز تجاوز نموده است. به عبارت دیگر، به دو برابر میزان قبل از انقلاب رسیده است. امروز نسبت شهر نشین ها به روستائین ها، برابر ۶۲٪ به ۳۸٪ است. افزایش جمعیت تهران از ۴/۵ میلیون نفر در سال ۱۳۵۷، به حد دو و نه میلیون نفر در سال ۱۳۶۲، خود گواه این افزایش شدیدی جمعیت شهرهاست.

دیگر شهرهای بزرگ، مانند تبریز، شیراز، اصفهان، مشهد و کرمانشاه نیز وضعیتی مشابه تهران دارند. جمعیت تبریز، در مدت کوتاهی

بیمارگونه و ضد اقتصادی به خود می گیرد. دهات و مزارع را به سرعت به ویرانی می کشاند. در شهرها دشواری های گوناگونی پدید می آید و بسیاری میلیون ها دهقان و عشایر آواره و حاشیه نشین های شهرها فلاکتهای بی شمار و تراژدی های انسانی جان خراشی به بار می آورد. جامعه ایران در زمان رژیم ضد ملی و فاسد شاهنشاهی، چنین منظره ای داشت. اینک این روند، نه تنها متوقف نشده، بلکه (نسبت به دوران قبل از انقلاب) ابعادی غول آسازتر به خود گرفته است.

## ابعاد مهاجرت

۲۰ سال پیش، هر ساله حدود ۶۰ هزار دهقان، مناطق روستایی را ترک می گفتند. یک سال

مسئله مهاجرت روستائیان به شهرها هم چنان به مثابه یکی از معضلات بزرگ و حاد رژیم ج ۱۰ لاینحل باقی مانده است. صاحبان های مسئولین اجزائی کشور، نطق های پیش از دستور نمایندگان مجلس، خطبه های نماز جمعه و مقالات جراید مجاز کشور... همگی بر این واقعیت تأکید دارد.

صرف نظر از جنبه های مختلف مسئله، مهاجرت روستائی که توسط مسئولین کشور و جراید مجاز مطرح می شود، اکثریت قریب به اتفاق آنها تلاش دارند اهمیت و به ویژه ماهیت این معضل اجتماعی را به کلی دگرگون جلوه دهند. مسئولین رژیم در باره عواقب این مسئله حاد جنجالهای تبلیغاتی به راه می اندازند و می کوشند گناه همه



گوشه ای از شرایط دشوار و رقت آور زندگی مهاجران روستائی، این قربانیان رشد سرمایه داری وابسته در کشورمان

از ۷۰۰ هزار نفر، به یک میلیون نفر رسید (اطلاعات ۱۱ بهمن ۶۲)

بعد از انقلاب، جمعیت اهواز در مدت کوتاهی از ۳۸۰ هزار نفر، به یک میلیون نفر رسیده است. در منطقه حصر آباد و دولت آباد اهواز، عدای با شکارتن کوه و تسطیح اراضی، برای خود خانه ساخته اند.

جالب توجه است که بیش از ۵۰٪ از مهاجرین را روستائیان بین سنین ۱۵-۳۴ سال، یعنی سنین اوج قدرت کاری تشکیل می دهند.

## برخی از علل عمده مهاجرت

### ۱- مسئله ارضی:

نحوه تدوین و اجرای اصلاحات ارضی شاهانه، علت مهم آغاز مهاجرت وسیع روستائیان بود. نیم بند بودن اصلاحات، ماهیت طبقاتی و نحوه ضد دهقانی اجرای آن در محیط ترور و خفقان آریامهری یکی از عمیق ترین ریشه های مهاجرت روستائیان بود. (دنیای شماره ۱۴، سال ۵۶)

اینک حاکمیت ج ۱۰ با چرخش به راست بقیه در صفحه ۱۲

قبل از انقلاب این رقم به حد دو نیم میلیون نفر رسیده بود. در سال ۱۳۴۵، شهرنشین ها ۳۸٪ و روستائینان ۶۲٪ جمعیت کشور را تشکیل می دادند. در سال ۱۳۵۵ این نسبت به ترتیب برابر ۴۸٪ و ۵۲٪ بود. در ماه های قبل از انقلاب و دوران بعد از بهمن ۵۷، مهاجرت روستائیان به شهرها به مقدار قابل ملاحظه ای کاهش یافت. علت اصلی این امر دستیابی دهقانان به زمین مالکانی بود که بر اثر اوج گیری مبارزات دهقانان و پیروزی انقلاب، از تسخیر، فراری و یا مخفی شده بودند. برخورداری نسبی دهقانان از خدمات جهاد سازندگی، عمران نسبی در دهات و توجه به برخی از حادترین نیازهای زندگی و معیشت دهقانان که عمدتاً حاصل تلاش و مبارزه خود دهقانان و ایثار و فداکاری نیروهای انقلابی بود، نیز در کاهش مهاجرت روستائیان نقش داشت.

با رکود و سپس بازگشت انقلاب، این دسیسه آورد های جنینش دهقانی، مورد هجوم کلان زمین داران قرار گرفت. با آغاز بازگشت مالکان پسه ده و کمک مأموران رژیم ج ۱۰ به آنها، در امر پس گرفتن زمین های زراعی دهقانان، موج مهاجرت

نابسامانیهای کشاورزی را به پای مهاجرت روستائیان بنویسند و معلول را به جای علت بنشانند. این حضرات نه تنها علل واقعی این گونه مهاجرت های گسترده را پنهان می کنند، بلکه می کوشند تمام نابسامانیها و نارسائی های زندگی شهری، کمبود مسکن و گرانی... را ناشی از هجوم روستائیان به شهرها و گویا در پی "تفنن و تفریح" می آیند، جلوه دهند.

بررسی اجمالی مسئله مهاجرت روستائیان، تشبیهات عوام فریبانه رژیم را نمایان می سازد و از چهره تبلیغات دروغین آن پرده برمی دارد.

## مهاجرت روستائیان به شهرها پدیده قانونمند رشد سرمایه داری

انتقال جمعیت از ده به شهر، در نتیجه رشد سرمایه داری در جامعه، پدیده های قانونمند است. در صورتی که این انتقال با رشد صنایع، مکانیزاسیون کشاورزی و جذب نیروی کار به صنعت همراه باشد، روند مهاجرت شکلی طبیعی به خود می گیرد. اما پدیده مهاجرت های روستائی در کشورهای رشد یافته و در شرایط رشد ناموزون سرمایه داری وابسته، ابعاد غیر طبیعی و ماهیتی

# اصلاحات ارضی بنیادی و ...

بقیه از صفحه ۱۱

خود در زمینه سیاست داخلی و خارجی و بنا احیاء نظام منحط سرمایه داری وابسته سیاست ارضی رژیم شاه را تعقیب می کند . امروز عمده ترین علت افزایش مهاجرت روستائی ، سرریز زدن رژیم ج ۱۰ از محل بنیادی مسئله ارضی است . این واقعیت را می توان از خلال گفتگوها و گزارشات برخی از نشریات مجاز ج ۱۰ با دهقانان و روستاهای کشور دریافت .

یک کشاورز سابق و حاشیه نشین فقیر زده شهری امروز می گوید :

" سال های سال روی زمینی که متعلق به مالک بود کار کردم و وقتی دیدم دستهایم همیشه خالی است ، برای داشتن یک زندگی بهتر به شهر آمدم و حالا هم به سختی روزگاری می گذرانم . یکی از اهالی روستای زلی آباد :

" باید مسئله زمین را حل کنند و قیمت محصولات را عادلانه تعیین کنند . البته مدتی است سروکله مالک ده پیدا شده که با ایستادگی اهالی نتوانسته کاری انجام دهد . ( کیهان ۲۰ بهمن ۶۲ ) .

" زمین کاشته شده دهقانان را دوباره شخم زدند و مالکین فراری این زمین ها را به تصرف خود در آوردند " ( اطلاعات ۵ دی ۶۲ )

" فئودال ها توسط برخی حکام شرع جبان تازه ای گرفته اند آنان کلیه ساکنان روستای " گله دار " در اقلید فارس را به زور وادار به تخلیه ده کرد مانند دهقانان که در برابر مأموران انتظامی مقاومت کردند به زندان افکنده شده اند "

( اطلاعات ۱۴ خرداد ۶۲ )

" عواملی که سبب مهاجرت روستائیان می شود عدم امنیت ناشی از بازگشت مالکین و اختلاف آن ها با کشاورزان است زیرا همین فشارها روستای ابهر در ماههای اخیر به کلی از سکنه خالی شده است " ( کیهان ۱۵ آذر ماه ۶۲ )

غفور سلیمی اهل روستاهای سفر :

" چند روز است که به همراه چند نفر دیگر از اهالی روستایمان برای پیدا کردن کار به تهران آمدم من در روستا کشاورزی می کردم ولی درآمد آن حتی کفاف زندگی ساده خانواده مرا نمی داد به همین دلیل به تهران آمدم " ( ۱۶ اسفند ۶۲ کیهان )

" مدتی است که به طور مرموزی از سوی بعضی از قضات با پرونده سازی ارضی را از دست کشاورزان که ده سال روی زمین کار کرده اند خارج و به عمده مالکین برمی گردانند و در صورت امتناع از اجرای حکم آنها را به زندان می اندازند از جمله جمعی از کشاورزان گرمسار که اخیرا زندانی شده اند " ( اطلاعات ۳۰ آذر ماه ۶۲ )

جدول زیر نمایانگر شمای کلی وضعیت مالکیت زمین بعد از گذشت پنج سال از پیروزی انقلاب است . همان طوری که در این جدول دیده می شود اساس و پایه نظام بزرگ مالکسی در کشور ما دست نخورده باقی مانده است و حیل ریشه ای مسئله زمین و اصلاحات ارضی بنیادی در دستور روز نیروهای انقلابی قرار دارد .

## ۲- تفاوت فاحش شهر و ده :

علت دیگر مهاجرت روستائی ، فقدان وسائل غایب زندگی در ده و ابتدائی ترین عوامل رفاهی ؛ مسکن نامناسب ، تغذیه بد ، فقدان بهداشت و آموزش است که فاصله آن را با وضع موجود شهرها ، مرتبا افزایش می دهد .

همان گونه که گفته شد ، بعد از پیروزی انقلاب عمده تاثیر حضور انقلابی دهقانان و نیروهای انقلابی ، در این زمینه به طور نسبی گام هائیک برداشته شد . ولی با پشت کردن سران ج ۱۰ به اهداف انقلاب و خیانت به توده های زحمتکش ، این دست آورد جنبش دهقانی نیز مورد هجوم قرار گرفت . اینک فاصله روستاها با وضع موجود شهرها ، روز به روز بیشتر می گردد .

یکی از روستائیان می گوید :

" روستای ملی کنده " در حال نابودی حتمی است . عمده مسئله ای که روستای ما با آن روبروست کمبود آب و راه و حمام ، برق و بهداشت است " ( کیهان ۱۶ اسفند )

نماینده قروه توضیح می دهد :

" آن کسی که در خانه گرم و آنچنانی بوده اصلا نمی تواند بفهمد روستائی در زمستان چه می کشد . در زمستان پارسال در همین منطقه ما ، چندین زن روستائی که وضع حملشان نزدیک بود ، برای آوردن به شهر در بین برف و باران و سرمای شدید گردستان ماندند و جانشان را از دست دادند " ( اطلاعات ۲۱ آذر ۶۲ )

امروزه در دهات برخی از کالاهای اساسی ای که با کوبن توزیع می شوند به دشواری می توان تهیه کرد و در بسیاری از مناطق ، این کالاها غیر قابل دسترسی است . این مسئله در مورد بقیه در صفحه ۱۴

شمائی از وضعیت زمین در دست زارع و مالک با گذشت ۵ سال پس از پیروزی انقلاب

نام استان	نام روستا	میزان زمین مالک	تعداد خانوار روستائی	میزان زمین زارعین	متوسط زمین یک زارع	میزان زمین مالک به زارع
کردستان	آونگ	۹۰۷ هکتار	۲۲۵ خانوار	۱۲۴۲ هکتار	۳-۲ هکتار	۳۰۰ برابر
"	چهارگاه	۸۰۰ " متعلق به ۳ نفر	۵۵ "	۴۱۲ "	۸-۷ "	۴۲ "
"	دزج	۹۰۰ " متعلق به یک مالک	۴۳۰ "	۱۲۸۵ "	۳-۲ "	۳۰۰ "
"	دلیران	۳۶۲ " "	۷۵۹ "	۵۸۵ "	کمتر از یک هکتار	۳۵۰ "
"	قصلان	۱۳۵۰ " "	۲۴۰ "	۷۲۰ "	۳/۵-۲ "	۴۵۰ "
همدان	-	۵۴۰ " "	-	۱۲۰ متر مربع	۱۲۰ متر مربع برای یک زارع	۴۵ هزار برابر
اصفهان	-	۳۲۳/۲ " "	-	۳۰ متر مربع	۳۰ " "	۱۰۸ " "
استان مرکزی	-	۱۷۰ " "	-	۱۱۰ متر مربع	۱۱۰ " "	۱۵۰ " "
کردستان	۴۸ روستا	۱۹۳۲۷ " متعلق به ۵۵ مالک	۸۱۵۰ خانوار روستائی	۴۶۲۳۶ هکتار	۵/۶-۷ هکتار دیم	-

مأخذ آمار و ارقام جدول : ( ۱ ) دنیا نشریه تئوریک و سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران شماره ۱۲ اردیبهشت ۱۳۵۹

( ۲ ) روزنامه اطلاعات ۲۱ آذر ماه ۶۲

## نامه خوانندگان

● دست عزیز شیدا " از اطریش: از این که به خواست ما در مورد ارسال شعر جدید پاسخ گفتید، سپاسگزاریم. تلاش شما در بیان شاعرانه مضمون، در خورد توجه است. ولی باید در نظر داشته باشید که انتخاب وزن، شاعر را موظف به رعایت کامل آن می‌سازد. هر چند برخی از بزرگان شعر، به انتقال وزن (بحر) دست می‌یازند، ولی این شیوه بر اساس معیارهایی انجام می‌گیرد. در ضمن، باید متذکر شویم که اگر با شعرهای کوتاه آغاز کنید، نه تنها از کمبود در مختصات فنی کاسته خواهد شد، بلکه پیشرفت بیشتری در این امر خواهید داشت. پاره‌ای از شعر را نقل می‌کنیم؛ با این امید که باز هم برای ما شعر بفرستید:

" تیشه فریادها / صخره‌های ساکن  
اندیشه‌هایم را شکست / شعله صدها قیام /  
جنگل تاریک افکارم بسوخت / سخن از رزم  
بگو / سخن از چیره شدن / شعله را شیوه  
شدن "

● " آرش " از پاریس شعری برای ما فرستاده است که در آن چهره " پلید ارتجاع حاکم بر ایران را نشان می‌دهد و با امید به آینده، می‌سراید:  
" باز می‌روید سپاه لاله‌ها در این جهان /  
پر شود دنیا ز آوای همه زحمتکشان "

به توضیحاتی که به " شیدا " داده شده است توجه کنید.

● دست عزیزم ۳۰۵ از سوئد - مقاله شما پیرامون اعدام ۱۰ تن از اعضای حزب توده در ایران به دست ما رسید. از کوششی که کرده‌اید سپاسگزاریم. موفق باشید.

● دست عزیز، هشیار - نامه شما به دست ما رسید. این اولین باری بود که نامه‌ای از شما دریافت می‌کردیم. در مورد تقاضایی که کرده بودید، اقدام خواهد شد. با آرزوی موفقیت برای شما.

● دست عزیز از زالتسبورگ، مطالبی را که از روزنامه‌های اطریش در مورد ایران جد آورده بودید به " راه توده " رسید. از همکاریتان متشکریم و برایتان آرزوی موفقیت می‌کنیم.

## در هفته‌ای که گذشت:

بقیه از صفحه ۱۰

نمایندگان شرکت‌های تجاری و صنعتی امپریا - لیستی و یا کارشناسان شرکت‌های امپریالیستی هستند که در چار چوب سیاست رژیم ج ۱۰ مبنی بر احیاء وابستگی اقتصادی به امپریالیسم و بسط منظر غارت و چپاول ثروت‌های ایران به کشور ما مساقرت کرده‌اند.

# ده گل سرخی که به انقلاب ایران هدیه شد!

بقیه از صفحه ۱

جمهوری به بهروری برسند و به همین دلیل از آن دفاع کردیم. این دفاع صادقانه بود و امیدوارم باردیگر فرصتی پیش‌آید که از انقلاب دفاع کنیم و صداقت خود را یک بار دیگر ثابت کنیم. من بر سر عقاید خود ایستاده‌ام."

دژخیمی که گسری سعادت‌تی را فشرده، دژخیمی که سینه سلطان پور، آن آفتاب کار جنگل‌های آستارا را به جوخه اعدام نشان داد، دژخیمی که رقص مرگ بر پیکر به خون خفته وفاداران به انقلاب را عین عبادت می‌دانده چگونه می‌تواند این قلب پر مهر و سرشار از عشق به مردم را در کنار افسران میهن دوست و دیگر تودهای‌های مدافع انقلاب، به گلوله ببندد؟

در آن سحرگاه خونین، سرنوشت افسران وطن دوست و دیگر تودهای‌های به خون غلطیده، با سرنوشت قهرمانان ملی‌ایران که جان بر کف، برای بهروری خلق ایران مبارزه کرده‌اند، پیوند خورد. تاریخ با خون آنها، رنج نامیه میلیون‌ها زحمتکش ایرانی را که با امید بنهادن ایرانی آزاد و آباد به خیابان‌ها ریختند، و اکنون به آرمانهایشان خیانت شد، می‌نویسد!

جنایاتی که در شکنجه‌گاهها در حق افضلی‌ها، عطاریان‌ها، فرزادها، مخاضعی‌ها، کبیری‌ها و دیگران اعمال شده برای همیشه پنهان نمی‌ماند. باید یک یک آنها را بازگو کرد و نوشت. مردم ایران باید بدانند که این سرداران شهید، برای حفظ انقلاب و سد کردن راه مخیانت رژیم ج ۱۰ به انقلاب در عرصه‌های کار و پیکار چه حماسه‌ها آفریدند؛ آنچه را که طراحان کودتای خزند علیه انقلاب و حزب توده، ایران تلاش می‌کنند برسرما نشود، باید در پیشگاه خلق ایران افشا کرد.

## مردم شریف ایران!

باید از نحوه بازجویی‌ها، تمام مطالب عنوان شده در بیدادگاه‌های رژیم ج ۱۰، متن کامل دفاعیات شهدا، وصیت‌نامه‌ها و آخرین لحظات حیات افتخار آفرین آنان آگاه شد! این بی‌کس و بی‌کفایتی ملی و میهنی است! این مطالب که بی‌شک در تاریخ انقلاب ایران ثبت خواهد شد، باید با وسوس و دقت لازم جمع‌آوری شود.

ما یقین داریم، بخش‌عده‌ای از این اطلاعات از همان بیخوله‌ها و فراموشخانه‌های رژیم ج ۱۰، به بیرون درز خواهد کرد. باید کسانی را که به نحوی از انحاء از جزئیات این جنایت مطلع‌اند و سکوت بر وجدانشان سنگینی می‌کند، تشویق کرد زبان بکشایند.

## بشردوستان مرقی جهان!

باید این جنایات را که بر پیشانی خائنین به انقلاب ایران ننگ ابدی می‌نشانند در وسیع‌ترین حد ممکن محرم کرد و تکرار آن را ناممکن ساخت.

خائنین به انقلاب که یارای تحمل دفاع شرافتمندانه این میهن دوستان را نداشتند با شلیک سرب داغ، قلب سرشار از وطن دوستی - شان را از پیش بازداشتند.

آنها در بیدادگاه رژیم ج ۱۰ با جسارتی به سترگی قضاوت تاریخ فریاد پرکشیدند:

ما در تمامی سالهای پس از بهروری انقلاب، حتی لحظه‌ای از تلاش برای دفاع از انقلاب و آرمان‌های ولای آن بازنیستادیم! توطئه‌های ضد انقلاب را خنثی کردیم، در میدانهای لگد کوب شده پادگان‌های ارتش، ارتش مدافع رژیم شاهنشاهی، سنگر دفاع از تودهای زحمتکش را حفر کردیم و سینه دشمنان مردم را نشانیه گرفتیم. در جبهه‌های جنگ راه را بر متجاوزین سد کردیم و در پیکر مقدس ناخدا همتی هزار بار به عشق وطن در خلیج فارس کشته شدیم.

شرم کنید! ما را بکشید، وای بر انقلاب! گردانندگان بیدادگاه‌های ج ۱۰ مانند بسیاری دیگر از سردمداران آغوش گشوده برای امپریالیسم، در برابر این فریاد برآمده از گسوی خونین انقلاب هیچ پاسخی نداشته و نخواهند داشت و هر آنچه را که تا کنون گفته‌اند، طوفان حقیقت، در مرداب عفن وطن فروشی، قریب، دروغ، خیانت و ظلم پیشگی دفن خواهند کرد. مگر با اسلاف آنان چنین نکرد؟ خلق را نادان تصور کردن و به تاریخ تسخر زدن، نابخردی است. زمره جنایت‌کاران مسلط بر حاکمیت ایران نیز، چنین است.

رژیم جنایتکار پهلوی، هنگامی که مدافعین حقوق زحمتکشان را به گلوله می‌بست، نیز چشم به چنین سرایی دوخته بود. اما خلق با آگاهی و تاریخ با لبخند بهروری، به این نابخردی پاسخ جانانه‌ای داد. و به یقین هر دو این داووان، پاسخ در خورد جنایتکاران رژیم ج ۱۰ را نیز خواهند داد.

این شهدای تازه به خاک افتاده با پیکرهای شکنجه دیده، در همان چند ساعتی که مجال یافتند در به اصطلاح دادگاه‌های ج ۱۰ لیب بکشایند، با سرفرازی از وطن پرستی و مردم دوستی و بیبی که از سرانجام سرنوشت انقلاب، قلبشان را به درد می‌آورد سخن گفتند.

این فرزند جهاد است که با استفاده از چند دقیقه مجالی که در بیدادگاه تدارک شده برای حضور خبرنگاران خارجی به او داده شد، با زوی خیال را به شانه‌های ستر خسرو روزه تکیه داد و در حالی که چشم به پیش سحرگاه خونین میدان تیرباران اوین دوخته بود، گفت:

"... ما سربازان گمنام انقلابیم. من برای تغییر حکمی که برایم صادر خواهد شد سخن نمی‌گویم، ما در این جمهوری، آرزوهای خسود را دیده بودیم. انتظار داشتیم فرزندانمان در این

# جنايات رژيم ج.ا. عليه توده‌اي‌هاى در بند را افشا كنيم!

بقية از صفحه ۱

## اصلاحات ارضي

بقية از صفحه ۱۲

هاي جنگ!  
حجت الاسلام ري شهري، حاكم شرع دادگاه  
هاي نظامي رژيم ۱۰۰، علت در بسته بودن محاکمات  
را چنين بيان مي‌کند:  
" تنها مسئله‌اي که سبب شد از حضور  
خبرنگاران خارجي ممانعت شود، جنبه امنيتي  
قضيه و مسائل محرمانه نظامي است که در دادگاه  
 مطرح مي‌شود. . . . (اطلاعات - ۲۹ آذر).  
 اين دستاويز رنگ زده که تنها به کار خود-  
 فر بيان مي‌آيد، اکنون ديگر به کلی خاصيت خود را  
 از دست داده است. اکنون ديگر نمی‌توان "اعضا"  
 و هواداران "حزب را در سراسر کشور زیر تيشخ  
 برای شمشير بي‌عدالتی حکامان شرع ۱۰۰ برد و  
 از بييم بر ملا شدن "مسائل محرمانه نظامي سخن  
 گفت!

واقعيّت آنست که همان " مسائل غير محرمانه"  
 و افشا گرانه‌اي که راه عبور خبرنگاران داخلّي و  
 خارجي، ناظران بين‌المللي، وکلا و حقوق دانان  
 جهاني و خويشان " متهمين " را به بيدادگاه  
 هاي نظامي تهران سد کرد، بر در دادگاه‌هاي  
 فرمايشي شهرستانها نيز قفل مي‌زند. اين نه  
 بييم از بر ملا شدن " مسائل محرمانه "، بلکه  
 خوف از آشکار شدن جنايات، شکنجه‌ها و متن  
 کامل دفاعياتي است که " متهمين " در فرصت  
 هاي کوتاه از خود، آرمانهاي انقلابي خود و  
 انقلاب به عمل مي‌آورند. گزارشات بسيار مختصر  
 و تحريف شده‌اي که در اثر فشار افکار عمومي ايران  
 و جهان، در روزنامه‌هاي سانسور زده مجاز کشور  
 به چاپ مي‌رسد، تنها نوک اين کوه يخ را می-  
 نمايند.

يکي از متهمين در بيدادگاه شيراز اعلام مي‌کند:  
 " . . . چون اين تشکيلات سياسي بود و در  
 جهت انقلاب کار مي‌کرد . . . عضويت آن را  
 پذيرفتم " (کيهان - ۴ اسفند).  
 و ادامه مي‌دهد:

" در جهان دو نيرو، يعني انقلاب و ديگري  
 نيروي ضد انقلاب است. فکر مي‌کردم انقلاب ايران  
 زماني مي‌تواند جان بگيرد که متحمل بشود به جبهه  
 انقلاب ها . . . من آمار اراضي موات و مالکين  
 بزرگ را به تهران مي‌دادم و برنامه‌هاي نقالسي و  
 تعزیه خواني تهيه مي‌شد. هدف بازگويي ظلم  
 خوانين و مالکين و فئودالها در روستاها بود  
 . . . " (کيهان ۴ اسفند).

دادستان انقلاب شيراز، در کيفر خواست  
 خود، " متهم " را " يکي از نيروهاي فعال عليه  
 اسلام و مسلمين و چهره خائن در کودتاي خرنده  
 فارس . . . معرفي مي‌کند و بر اساس ماد ۱۹۸۴  
 " قانون حدود و قصاص " و نيز به جرم داشتن:  
 " مذهب " سوسياليستي علمي " (!) برای ا و  
 اشد مجازات تقاضا مي‌کند.

ماده ۱۹۸ اين قانون تصريح دارد:  
 " هر گروه يا جمعيتي متشکل که در برابر  
 حکومت اسلامي، قيام مسلحانه کند، تمام افراد و  
 بقية در صفحه ۱۵

انتقام جوئي سردمداران ج.ا. است که تشقي  
 مي‌يابد و جان ها و زندگي‌هاي، پويباري که هر  
 لحظه قرباني مي‌شوند.

در هفته گذشته، اخبار مربوط به " محاکمه"  
 اعضا و هواداران " حزب توده " ايران در رشت  
 شيراز، تبريز، رامسر و ديگر شهرهاي ايران در  
 روزنامه‌هاي مجاز کشور به چاپ رسیده است. اين  
 دادگاه ها " بر همان پايه‌هاي استوار است که  
 بيدادگاه‌هاي نظامي تهران بر اساس آن ها برپا  
 شده بود: خالي از اغيار، پشت درهاي بسته،  
 بي حضور وکيل مدافع و خبرنگاران داخلّي و  
 خارجي و بستگان " متهمين " و همچنان بي-  
 رعایت کمترين موردی از موازين آئين دادرسي  
 کيفري مصوب ارگان‌هاي قانونگزار ج.ا. تنها  
 تفاوتی اگر هست در طرد هر چه بيشتر حقوق  
 " متهمين " و جاري نردن داوري هاي جابرانه  
 در حق " هواداران " حزب است. روزنامه  
 ج.ا. خبر مي‌دهد:

" محاکمه حدود ۴۰ تن از اعضا و  
 هواداران حزب . . . از پيرروز در دادگاه  
 انقلاب اسلامي رشت آغاز شد."  
 اطلاعات از قول حجت الاسلام شجاعي، رئيس  
 دادگاه انقلاب اسلامي تبريز، در مورد " محاکمه"  
 ۲۳ تن از اعضا و هواداران حزب مي‌نويسد:  
 " اين افراد از هواداران ساده حزب . . .  
 بودند که در دادگاه محاکمه و به زندان محکوم  
 شدند."

دادستان انقلاب اسلامي استان گيلان در  
 گفتگويي با خبرنگار ج.ا. اعلام مي‌کند:  
 " . . . محاکمه تعدادی از اعضا و هواداران  
 اين حزب که در شهرهاي لاهيجان و لنگرود در  
 بازداشت به سر مي‌برند، به زودي آغاز خواهد  
 شد . . ."

حاکميتي که ابتدا در بوق و کرنا مي‌ديد  
 فعاليت حزب توده، ايران ممنوع نيست، آن ها  
 تنها " عده‌اي جاسوس و خائن " را دستگير  
 کرده‌اند، اينک " هواداران ساده " حزب را که  
 با تعاملي سرمايه وجداني و انقلابي خود، در مقابله  
 با توطئه‌هاي رنگارنگ دشمنان مردم و انقلاب  
 ايستاد هاند به پای ميز محاکمه مي‌کشد و محکوم مي-  
 کند. در اين ميان چه چيز تغيير کرده است؟ آیا  
 ناگهان اين " هواداران ساده " به " جاسوس"  
 و " خائن " بدل شده‌اند و يا در زندان در صدد  
 کسب " اطلاعات نظامي " برآمد هاند و عليشه  
 " امنيت کشور " اقدام کرده‌اند؟! يا . . .

پاسخ روشن است. در اين مدت، نه برنامه  
 و آرمانهاي مردمی حزب توده، ايران تغيير کرده  
 است و نه آن " هواداران ساده " که برای ژرفا  
 بخشيدن و گسترش انقلاب و رهانيدن آن از خطر  
 شکست، جانانه رزميد هاند. علت را بايد در امر  
 ديگري جستجو کرد: در قصد آگاهانه حاکميت به  
 در پيش گرفتن راهي که به اسارت در چنگال  
 امپرياليسم انتهاي آنست و زبوني رسواي آهر ا و  
 در دستيابي به " پيروزي نهائي " در جبهه

کالاهاي ستميه بندي شده، ايعاديه مراتب  
 بزرگتری به خود مي‌گيرد. واقعيات نشان مي‌دهند  
 که در آينده فاصله بين شرايط شهر و ده، از  
 وضع موجود نيز بيشتر خواهد شد.

## سياست عوام فريبانه توام با تهديد و زور

سران رژيم امروز تلاش مي‌کنند علل عمده  
 مهاجرت روستائي را که با سياست عمومي وضد  
 دهقاني آنها ارتباط مستقيم دارد، مسکوت  
 بگذارند. آنها مي‌کوشند که نگاه‌ها را به علل  
 فرعي و چه بسا موهوم و دروغين متوجه کنند.  
 آقای نخست وزير مي‌گويد:

" جاذبه شهری، عامل اصلي در مهاجرت  
 روستائي است و بعد از انقلاب جاذبه هاي  
 ديگري نيز افزوده شده که در هيچ جای دنيا  
 سابقه ندارد. برای بهداشت، مسجد، برای نماز  
 جمعه، برای استفاده از راهپيمائي‌هاي شورانگيز  
 مي‌آيند، چهره نرواني امام را احتمالاً ببينند  
 . . . و ما بايد سعی کتيم جاذبه را به نوعی از  
 بين ببريم " (! کيهان ۲۹ آذر ۶۲).

آنها تلاش دارند مهاجرت روستائي را علت  
 بسياري از مشکلات اجتماعي معرفي کنند و می-  
 گویند:

" ما به اين نتيجه رسيد ه‌ايم که فساد، خود  
 معلول علتهاي است که يکي از اين علل مهاجرت  
 هاي بي رويه و بي حساب و کتاب از روستاهاست  
 . . . " (ناطق نوري، اطلاعات ۱۰ دی ماه ۶۲).  
 " اگر بسياري از مشکلات ناشي از جنگ است،  
 ولي مهاجرت بي رويه در اين مسأله نقش حساس  
 دارد " (جنتي، کيهان ۲۲ آذر ۶۲).

رژيم ج.ا. برای حل اين معضل عظيم  
 اجتماعي از آنجائي که به خلق و اهداف انقلاب  
 پشت کرده است، جز زور و تهديد و ايرساب  
 وسيله‌اي نمی‌يابد. آقای جنتي مي‌گويد:

" بايد جلوي اين کار گرفته شود اين جا چاي  
 ترحم نيست. مي‌گويند مستضعف است، آيا  
 مستضعف حق قانون شني دارد. اين مستکبر  
 فقير است (!) . . . آنجا که قانون حق گذشت  
 و عفون داده، آنجا جای قاطعيت است آن جا  
 بايد در مقابل هر کس (؟) باشد ايستاد "  
 (کيهان ۲۲ آذر ۶۲).

خضراتي که نه تنها در مقابل جنايات  
 محتکرين و " تروريست هاي اقتصادي " سکوت  
 مي‌کنند بلکه دست اين زالوهاي اجتماعي را در  
 مکيدن آخرين قطرات خون زحمتکشان بساز-  
 گذاشته‌اند، مهاجرت روستائي را بدترين گناه  
 شمسورده، مي‌گویند.

" گناه مهاجرت روستائيان، از گناهان کبيره  
 است . . . يک روستائي برای اين که يک قدری  
 آن رفاه مورد نظرش را در روستا نني بيند راه شهر  
 را در پيش بگيرد . . . اين گناه است و با هيچ  
 گناه معمولی قابل قياس نيست. از شراب خوردن،  
 زنا کردن، احتکار کردن از همه اينها بدتر است

# تجاوز نظامی ایالات متحده به حق حاکمیت مردم ایران

## • تسلیم طلبی سران ج.ا.د. در برابر امپریالیسم آمریکابخشی از استراتژی جنگ توسعه طلبانه است

بقیه از صفحه ۱  
فراز آن می گذشت چند موشک شلیک کرد . همین روزها و به یک کشتی نظامی ایرانی که در مرزهای آبی ج ۱۰ گشت می زد اخطار کرد که از منطقه حاکمیت آمریکا (؟) دور شود . اخطاری که از سوی حاکمیت ج ۱۰ گردن نهاده شد . محافظان بین المللی این وقایع را به عنوان آغاز عملیات جنگی ایالات متحده علیه ایران ارزیابی کردند . پس از این حوادث واحد های هوایی و دریایی ج ۱۰ از نزدیک شدن به حریم "حاکمیت" آمریکا - لیسم آمریکا در همسایگی مرزهای آبی میهن ما اکیدا خود داری دردهاند (؟) مقامات پنتاگون با وقاحت توهین آمیزی اعلام کردند که گویا هواپیمای ایرانی در ارتفاع بسیار پائین از منطقه عبور می کرده است و کشتی ایرانی نیز "بیش از حد" به روزنا و آمریکا تسی نزدیک شده است ! در طول سالهای پس از انقلاب شکوهمند بهمن ، ایالات متحده آمریکا ، هرگز با جنبش گستاخی تحقیر آمیزی حق حاکمیت ملی مردم ما را لگدمال نکرده است . خیره سری امپریالیسم آمریکا در تجاوز نظامی به میهن ما ، حاصل تحولاتی است که به دنبال چرخش به راست نهایی بهمن ۶۶ در حاکمیت ج ۱۰ رخ داده است و سران ج ۱۰ را به مواضع آشکارا تسلیم طلبانه در برابر امپریالیسم جهانی کشاننده است .

### تسلیم طلبی سران ج.ا.د. در برابر تجاوز نظامی امپریالیستی خرنی از استراتژی جنگ توسعه طلبانه است

سران ج ۱۰ برای احتراز از برخورد جدی با "منافع" امپریالیسم جهانی ، که آن را از زبان آقای خامنه ای رئیس جمهور اسلامی ایران به رسمیت هم شناخته اند (اطلاعات ۱۲ اسفند) ، راه عقب نشینی و کرنش در برابر تهدیدات امپریالیسم را برگزیده اند . در حالی که از مدت ها پیش سران ج ۱۰ به کرات تأکید کرده بودند که در صورت بمباران تأسیسات نفتی ایران در جزیره خارک ، تنگه هرمز را مسدود خواهند کرد . هنگامی که خطسبر بمباران خارک حالت جدی به خود گرفت و ناوگان

نظامی آمریکا در تنگه هرمز مستقر شد ، آستان برای احتراز از برخورد نظامی با امپریالیسم آمریکا به سرعت تهدیدات خود را پس گرفتند ، آقای خامنه ای اعلام کرد : "حرف ما از اول همین بوده است و خواهد بود که تا وقتی که کشتی های ما از تنگه هرمز عبور کنند با کسی کاری نداریم" ( نماز جمعه - ۵ اسفند ) . به این ترتیب لفاظی های پیچ غیرمستولانه و از اساس نادرست آنان در باره بستن تنگه هرمز در عمل به صورت ارسال دعوتنامه برای ناویگان آمریکا برای استقرار در تنگه هرمز درآمد . از سوی دیگر هفته گذشته عراق ستونی از کشتی های رهسپار بندر و خمین را بمباران کرد . این بمباران به تأیید مقامات ایرانی به آسیب دیدن دو کشتی انجامید . تهدید عراق در باره بمباران بندر خارک نیز باعث شد که اتحادیه صاحبان و کارگران نفتکش ژاپنی رفت و آمد این نفتکش ها به بندر خارک را ممنوع اعلام کند . افزون بر آن کشتی های نظامی ایران نیز در نتیجه تهدید ایالات متحده ، دیگر حق عبور از "منطقه ممنوعه" تنگه هرمز را ندارند . اینک امنیت عبور و مرور کشتی های ایران از تنگه هرمز آشکارا مختل شده است . اما در همین جاست که لفاظی های پرخاشگرانه ، به سکوت تسلیم طلبانه می انجامد . مهم ترین واکنش حاکمیت ج ۱۰ در برابر ماجراجویی های ایالات متحده در خلیج فارس صدور اعلامیه ای اعتراض آمیز و توضیح مواضع حقوقی از سوی وزارت خارجه ج ۱۰ است . پیر - جسته ترین نکته این اعلامیه ، سکوت گذاردن تجاوز نظامی ایالات متحده به حق حاکمیت ملی مردم ماست . وزارت امر خارجه ج ۱۰ حتی لزومی به اعتراض به شلیک موشک های روزنا و آمریکائی به هواپیمای ایرانی ندیده است ! سران ج ۱۰ که خوب می دانند مطلع شدن مردم ما از این تجاوز گستاخانه امپریالیسم آمریکا احساسات ضد امپریالیستی زحمتکشان ایران را شعله ور خواهد کرد ، ترجیح داد هاند اساسا در این باره سکوت کنند و تنها به استناد تظلم آمیز به مفاد کنوانسیونهای بین المللی و زیر پا گذاشتن

آنها به وسیله ایالات متحده اکتفا نمایند . این عقب نشینی هنای تسلیم طلبانه ، تنها در متن استراتژی سیاسی نظامی سران ج ۱۰ برای پیروزی (؟) در جنگ توسعه طلبانه معنای واقعی خود را نشان می دهند . مدتهاست که سران ج ۱۰ سرکوب انقلابیون اصیل ایران ، احیای نظام منحط سرمایه داری وابسته گسترش مناسبات وابستگی آمیز با امپریالیسم جهانی را دستمایه ای کرده اند تا امپریالیسم جهانی را قانع کنند که "واقع بینانه تر نگاه کند" (خامنه ای نماز جمعه ۵ اسفند ۶۲) و دست از حمایت صدام بردارد چرا که ج ۱۰ بهتر از رژیم عراق منافع امپریالیسم را برآورده می کند . این استراتژی از زبان سر مقاله نویس روزنامه کیهان چنین بیان می شود :

"رضایت دادن غرب به منطقه ای بد و ن صدام مناسب ترین راه حلی است که می تواند به جای اتخاذ شیوه های حفظ رژیم عراق انتخاب گردد . اکنون نوبت جامعه غرب است که تصمیم بگیرد" (کیهان ۴ اسفند ۶۲) . روشن است که در متن چنین سیاستی ، برخورد جدی با "منافع" امپریالیسم آمریکا و دفاع انقلابی از منافع ملی و حق حاکمیت مردم ما بجای ندارد . سران ج ۱۰ در تدارک معامله با امپریالیسم اند ، نه مبارزه با امپریالیسم . این واقعیتی است که مردم ما بیش از پیش به آن پی می برند .

### جنایات رژیم ج.ا.علیه توده های در بند را افشا کنیم!

بقیه از صفحه ۱۴  
هوادارانی که موضع آن گروه یا جمعیت را می دانند و به نحوی در پیشبرد اهداف سازمان فعالیت و تلاش مؤثر دارند ، محارب محسوب می شوند . مطلب روشن تر از آنست که نیاز به توضیح داشته باشد اکنون دیگر همه می دانند ، توده های رانه به جرم "جاسوسی" و "براندازی" بلکه به اتهام دفاع از انقلاب ، بازگویی ظلم خونین و مالکین و فقودالها "واقضای سیاست های خائنانه" سردمداران ج ۱۰ محاکمه و به مرگ محکوم می کنند . اما این همه ، مانع از آن نیست که نیروهای صادق و وفادار به آرمانهای مردمی ، جزئیات جنایاتی که هرروزه ، حاکمان ج ۱۰ در زندانها ، شکنجهگاهها و بیدادگاهها مرتکب می شوند ، برملا سازند . باید بریک این فجایع انگشت گذاشت ، اسناد آنها را گرد آورد و در معرض داری مردم ایران و جهان قرار داد . این ها اسنادی است که خلق در محاکمات عادلانه ، آینده خود ، بدان ها نیاز دارد .

## زندگی نامه و اسناد مبارزات شهدا و زندانیان توده های را گردآوری کنیم

حزب توده ایران ، و در گام نخست شهدای اخیر رفا : ناخدایم افضلی ، سرهنگ عطاریان ، سرهنگ کبیری ، سرهنگ آذر افروز ، محمد بهرامی نژاد ، ابوالفضل (جعفر) بهرامی نژاد ، غلامرضا خاضعی ، شاهرخ جهانگیری ، فرزاد جهاد و خسرو لطفی ، یک وظیفه انقلابی است .

"راه توده" از همه اعضا و هواداران حزب توده ایران و همه میهن دوستان و ترقی - خواهان ایران درخواست می کند ، زندگی نامه ، عکس ها ، اسناد و اخبار مربوط به مبارزات شهدا و مبارزان در بند توده های را گردآوری و برای ما ارسال کنند . جمع آوری اسناد و مبارزات رزمندگان

# برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا ، دشمن اصلی مردم ایران ، متحد شویم!



### سخنان رفیق چرتکوپیرامون مناسبات اتحاد شوروی و جمهوری توده‌ای چین

رفیق کستانین چرتکوپیرامون، دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی، طی دیدار با انتخاب کنندگان در مسکو، طی سخنرانی میسوطوسی از جمله در باره "مناسبات میان اتحاد شوروی و چین چنین گفت:

طبیعی است که عادی شدن مناسبات با جمهوری توده‌ای چین، می تواند نقش سوسیالیسم را در زندگی بین‌المللی افزایش دهد. ما به طور پیگیر در راستای این گونه عادی کردن مناسبات عمل می‌کنیم. ولی تبادل نظرهای سیاسی نشان داده است که در مورد برخی مسائل اصولی، هنوز تفاوت عقیده وجود دارد. به ویژه ما نمی‌توانیم در مناسبات و جنبه به سوی آنگونه توافق‌هایی برویم که به زبان کشورهای "جهان سوم" باشد. اما تبادل نظرها همچنان ادامه

دارد و ما آنها را سودمند می‌دانیم. اتحاد شوروی معتقد است که باید سطح تماس‌ها را به میزانی که برای دو طرف قابل قبول باشد بالا برد.

### اعلامیه حزب کمونیست لبنان درباره اوضاع کشور

موافق ارزیابی حزب کمونیست لبنان، سیاست تجاوزی آمریکا در لبنان با یک شکست قابل ملاحظه روبرو شده است.

کمیته مرکزی حزب کمونیست لبنان در یکی از نشست‌های اخیر خود، تازه‌ترین رویدادهای کشور را مورد تجزیه و تحلیل قرار داد و مبارزه سیاسی و نظامی نیروهای ملی لبنانی را تأیید کرد. در اعلامیه گفته می‌شود که در برابر نیروهای ملی کشور، این وظیفه قرار داد که هم چنان در برابر تمام تلاش‌های سیاسی و نظامی مداخله - گرانه ایالات متحده، آمریکا با قاطعیت ایستادگی کنند و مقاومت در مقابل اشغالگران اسرائیلی را تا عقب نشینی کامل آنان از سرزمین لبنان ادامه دهند. کمیته مرکزی حزب کمونیست لبنان، هم چنین خواهان لغو رسمی قرار داد دو جانبه اسارت‌آوری است که سال گذشته میان لبنان و اسرائیل با وساطت دولت آمریکا منعقد گردیده است.

### نیرنگ تازه ضیاء الحق

نیروهای مخالف دولت نظامی در پاکستان، وعده جدید ضیاء الحق را فینی برانجیب انتخابات عمومی آزاد در ماه اکتبر به مثابه نیرنگ حقیرانه برای ایجاد اختلاف در میان احزاب عضو جنبش "برقرار ساختن دموکراسی" ارزیابی کردند. ضیاء الحق قصد دارد اعلام انتخاباتی، قلابی و عدم اجازه شرکت در آن را به بعضی احزاب سیاسی، به وسیله‌ای برای تحکیم موقعیت خود تبدیل نماید.

"جنبش برقرار ساختن دموکراسی"، تصمیم گرفته است این به اصطلاح انتخابات را که به منظور جاویدان کردن حکومت نظامیان، سازمان داده می‌شود تحریم کند. این جنبش، خواهان انجام انتخابات بر پایه قانون اساسی سال ۱۹۷۳ با شرکت همه احزاب سیاسی است.

### اصلاحات ارضی بنیادی و ...

بقیه از صفحه ۱۴  
(جنتی، بهمان ۱۵ بهمن ۶۲).

زور و تهدید، راه حل مشکلات و معضلات اجتماعی نیست. با تشکیل ستاد جلوگیری مهاجرت، عدم صدور کارت ارزاق، نمی‌توان به بحران مهاجرت روستائی فائق آمد.

تنها در شرایط یک حاکمیت دموکراتیک انقلابی و با حل بنیادی مسأله ارضی به رفقا نازم زحمتکش و با تأمین عدالت اجتماعی، توان شکل و ماهیت مهاجرت روستائی را به نفع رشد سالم اقتصادی - اجتماعی کشور حل نمود.

### اظهاریه رسمی خبرگزاری شوروی تاس

خوش، دعاوی امپریالیستی خود را بر خلیج فارس به عنوان ناحیه "منافع حیاتی آمریکا تأیید کند.

واشنگتن می‌خواهد اراده خود را به کشورهای این منطقه تحمیل کند. اقدامات دولت ایالات متحده، آمریکا نه فقط کاملاً موازین حقوقی تناقض دارد، بلکه به طرز کاملاً حساس به منافع تعداد زیادی از کشورهای که از راه‌های آبی و هوایی خلیج فارس استفاده می‌کنند، لطمه می‌زند. این اقدامات ممکن است به این کشورها زیان‌های مادی فراوانی برساند و جان اتباع این کشورها را دستخوش خطر کند.

تمرکز ناوهای جنگی و هواپیماهای آمریکا در ناحیه خلیج فارس بر شدت وخامت اوضاع می‌افزاید و در این ناحیه محرک به وجود آمدن موقعیت درگیری با دخالت نیروی نظامی آمریکا است.

اقداماتی که دولت ایالات متحده آمریکا در حوضه خلیج فارس به عمل می‌آورد برای صلح و امنیت بین‌المللی خضر جدی ایجاد می‌کند.

اتنون در هبنا ناو جنگی آمریکا به آنجا کشانده شده‌اند. نیروی هوایی آمریکا به گشت و تدارکات از راه هوا مشغول است. آمریکا به نحوی خشونت‌بار موازین حقوقی مورد قبول همگان، منجمله نوانسینون بین‌المللی منعقد در سال ۱۹۵۸ در باره دریاهای آزاد و معاهده منعقد در شیکاگو در باره هواپیمائی کشوری را زیر پا گذاشته است و خود سرانه در فضا و مساحت عظیمی برای پرواز هواپیماهای کشوری خارجی و کشتی‌ها چنان مقرراتی معین کرده است که به مراتب محدودتر از مقرراتی است که در آبهای تحت حاکمیت حقوقی مستقیم ایالات متحده آمریکا اعمال می‌شود.

دعاوی وقیحانه دولت آمریکا برای آن ناحیه بزرگی از دریا و فضای هوایی تابع کنترل و نظارت آمریکا باشد، واضح و آشکار است. در عین حال آمریکا از تهدید به کار بردن نیروی نظامی در مورد کسانی که این مقرراتی را که خود سرانه برای کشتی‌رانی و پرواز هواپیماها معین شده، مراعات نکنند، روی گردان نیست.

بنا به اظهارات سخنگوی آمریکائی همه این اقدامات گویا برای تأمین آزادی کشتی‌رانی انجام می‌گیرد. ولی در واقع صحبت از مطالب دیگری است. صحبت از تلاش دولت آمریکا است که می‌خواهد از راه نمایش سراسری قدرت نظامی

**کمک مالی به  
حزب توده ایران،  
یک وظیفه انقلابی است!**

**رفقای هوادار حزب توده ایران در  
برمن (آلمان فدرال)  
هزینه چاپ این شماره "راه توده" را  
تأمین کردند**

رفقا محمود واحمد ۷۰ مار

**RAHE TUDEH**  
No. 83  
Monday, 12 Mars 84

Address: **Winfried Schwarz**  
Markgrafenstr. 13  
6000 Frankfurt 90



Prices:	England	30	P.
	Belgium	22	Fr.
West-Germany	Italy	600	L.
France	Fr. U.S.A.	50	Cts.
Austria	Sch. Sweden	3	Skr.